

سنجش و بررسی احساس انومی در میان جوانان*

سیده‌های مرجایی**

عضو هیأت علمی موسسه پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزش عالی

چکیده

این مقاله به بررسی وضعیت احساس انومی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در میان جوانان شهر تهران پرداخته است. انومی، وضعیتی است که در آن شرایط، فرد احساس بی‌هنجاری نموده و به نوعی حالت اغتشاش، گسستگی و فقدان اجماع بین فرد و جامعه اشاره دارد.

یافته‌های به‌دست آمده از آزمون، دیدگاه ۵۰۰ نفر از جوانان شهر تهران را درخصوص گستره شرایط انومیک در ابعاد سه‌گانه انومی اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی منعکس می‌نماید. همچنین داده‌های مربوط به مدل علی تحقیق که از طریق روش «لیزر» به‌دست آمده، نشان می‌دهد که شکل‌گیری احساس انومی اقتصادی در میان جوانان ۶۱ درصد به احساس انومی اجتماعی بستگی دارد و شکل‌گیری احساس انومی سیاسی نیز حدود ۲۵ درصد به احساس انومی اجتماعی و ۲۳ درصد به احساس انومی اقتصادی وابسته است. به‌طوری‌که هرچه احساس انومی اجتماعی در میان جوانان افزایش می‌یابد احساس انومی اقتصادی نیز افزایش یافته و هرچه احساس انومی اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد، احساس انومی سیاسی نیز سیر صعودی به خود می‌گیرد.

واژگان کلیدی: انومی؛ انومی اجتماعی؛ انومی اقتصادی؛ انومی سیاسی؛ جوانان

۱- کلیات

۱-۱- پرسش آغازین و مسئله اساسی

«آیا بحران‌های اجتماعی در جامعه ما به‌حدی رسیده است که جوانان در ارتباط با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، احساس بی‌هنجاری نموده و حالتی از انواع آنومی در آنها شکل گرفته باشد؟»

سؤال بالا پرسش آغازین مقاله حاضر می‌باشد. سردرگمی جوانان در انتخاب روش و الگوی زندگی، عدم رعایت حقوق متقابل در جامعه، تصور بی‌عدالتی در جامعه و این‌که حق به‌حق‌دار نمی‌رسد، عدم اطمینان نسبت به آینده، شیوع کارهای خلاف عرف و قانون در جامعه همانند پارتنری بازی و رشوه، عدم شایسته‌سالاری و عدم توجه به استعداد و قابلیت افراد، احساس این‌که جامعه روز به روز متشنج‌تر می‌شود، ناامیدی از ساختار حکومتی در حل معضلات مردم، احساس فقر و عقب‌ماندگی روزافزون کشور در مقایسه با سایر کشورها، عدم پیش‌بینی درست موفقیت‌ها و شکست‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و نهایتاً بی‌هدفی و ناامیدی جوانان از رسیدن به یک زندگی بهتر و مطلوب از یک سو و شکاف مضاعف بین آرزوها و اسباب دسترسی و تحقق آرزوها از سوی دیگر، معرف ابعاد مختلف شرایط «بحران اجتماعی»^۱ و ظهور آنومی^۲ و بی‌هنجاری^۳ در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و شکل‌گیری احساس «بی‌یاوری و ناامیدی»^۴ در بین افراد جامعه است.

شرایط کنونی جامعه ایران و رخداد وقایع مهم اجتماعی و سیاسی در آن شامل انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و تغییرات ساختاری در نهادهای مدنی و فرهنگی و روابط و منشأ قدرت در جامعه؛ هشت سال جنگ تحمیلی؛ محاصره اقتصادی و تنگناهای ناشی از شرایط پس از جنگ؛ تعارضات ساختاری دوران اصلاحات سیاسی و اجتماعی و شکل‌گیری موانع جدی بر سر راه جوانان از جمله مشکلات ازدواج، اشتغال، بحران هویت، تضاد ارزشی و غیره، بستر مناسبی برای شکل‌گیری وضعیت بحرانی و بروز پیامدهای فردی و اجتماعی آن در جامعه و شکل‌گیری احساس بی‌یاوری، ناامیدی، بی‌هنجاری و آنومی در میان جوانان فراهم آورده است. جوانان، سازندگان فردای جامعه هستند و تأثیر مسائل بحرانی جامعه بر آنها، به‌صورت علی می‌تواند سازندگی جامعه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و

- 1- Social crisis
- 2- Anomie
- 3- Normlessness
- 4- Helplessness and Hopelessness

اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد و روند پیشرفت و سلامت نظام اجتماعی را با مخاطره روبه‌رو کند.

هرگونه برنامه‌ریزی اجتماعی در خصوص جوانان، نیازمند شناخت دقیق مسائل و شرایط مختلف جامعه و مطالعه نگرش‌ها و برداشت افراد از شرایط موجود است. همچنین، یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در «مدیریت مسائل اجتماعی خرد»، توجه به احساس به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی در میان اقشار مختلف به‌خصوص جوانان است. اگر این سرمایه اجتماعی به‌علت وجود شرایط بحرانی در جامعه و یا حتی به‌علت وجود آگاهی کاذب از مشکلات جامعه در مسیر نامطلوب و تخریبی قرار گیرد، جامعه دچار تنش و تولید بحران‌های بیشتر خواهد شد. بر این اساس، «جامعه‌شناسی احساس» و شناخت وضعیت احساسی جوانان به‌عنوان سازندگان فردای جامعه نسبت به شرایط آنومیک جامعه و عوامل مرتبط با آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

مقاله حاضر با توجه به مسائل بحرانی جامعه در ارتباط با جوانان، به‌دنبال ایجاد شناخت نسبتاً عمیق از شکل‌گیری احساس آنومی می‌باشد.

۲-۱- تعریف مفهومی آنومی

واژه آنومی از دو جزء ترکیب یافته:

- ۱- «نومیا و نومی» که در زبان یونانی به‌معنای ناموس و قانون است و بر قاعده و روال رفتار، هنجار، قانون، رسوم و مانند آن دلالت دارد.
- ۲- «آ» یک پیشوند منفی‌ساز است و آمدن آن قبل از کلمه «نومیا» معنای سرگردانی و سرگشتگی در برابر قواعد و سنجه‌های رفتار اجتماعی را می‌رساند.
- ۳- این واژه (آنومی) در زبان انگلیسی از سال ۱۵۹۱ یعنی حدود ۴۱۰ سال قبل مورد استفاده قرار گرفته و در قرن ۱۷ به‌طور مکرر به‌معنای عدم توجه به قانون مدنی و قوانین الهی به‌کار رفته است. آنومی برای اولین بار توسط «امیل دورکیم» به جامعه‌شناسی راه یافت و از مفاهیم اساسی آن شد. این واژه، امروزه در فرهنگ جامعه‌شناسی در سه معنای جداگانه و در عین حال به‌هم‌وابسته به‌کار می‌رود:
- ۱-۳- نوعی نابسامانی فردی که موجب سرگشتگی انسان و نبود قانون و دستورالعمل رفتاری برای وی می‌شود.
- ۲-۳- وضعیت اجتماعی که در آن قواعد رفتار اجتماعی با یکدیگر در ستیزه بوده و فرد برای انطباق و پیروی از آن قواعد دچار پریشانی می‌شود.

۳-۳- وضعیت اجتماعی که در آن در مواردی محدود، قواعد اجتماعی وجود ندارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰).

۱-۲-۱- مفهوم آنومی از نظر دورکیم

از نظر دورکیم، «آنومی به نوعی حالت اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری در نظام جمعی اشاره دارد» (دورکیم، ۱۹۳۳: ۲۰۶). دورکیم بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجماع بین فرد و جامعه درباره «اهداف اجتماعی»^۱ و «انتظارات جمعی»^۲ و آنچه جامعه به عنوان «الگوهای رفتار»^۳ برای اعضای خود متصور شده است، به‌کار می‌برد. هر جامعه‌ای به اهداف خاصی ارزش می‌دهد و از اعضای خود انتظار دارد که رفتاری مطابق با هنجارهای مقرر شده نسبت به هدف مورد نظر اتخاذ نمایند. به‌نظر دورکیم، فقدان اجماع بین فرد و جامعه در این زمینه، منجر به محو و غیبت تدریجی «اقتدار اخلاقی»^۴ می‌گردد و جامعه، مدیریت اخلاقی مؤثر و کنترل اجتماعی لازم بر فرد را از دست می‌دهد و فرد نیز متقابلاً به سیستم بهنجار اجتماع بی‌اعتنا می‌شود.

دورکیم دو نوع آنومی را تمیز می‌دهد: یکی در سطح فردی و دیگری در سطح اجتماعی. بی‌هنجاری یا آنومی در سطح فردی، به نوعی حالت ذهنی^۵ اطلاق می‌گردد که در آن، به‌واسطه اختلالات اجتماعی، فرد در انتخاب هنجارها و تبعیت از قواعد رفتاری دچار نوعی سردرگمی، احساس بی‌قدرتی و فتور^۶ و احساس پوچی^۷ می‌شود. آنومی در سطح اجتماعی یا «آنومی اجتماعی» نشان‌گر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن، احساسات فرد با توجه به نظام اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد، فرد، فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی و نیز فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است، بدین ترتیب ممکن است فرد دست به رفتاری نابهنجار بزند و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع نماید و یا به‌صورت فردی از خودبیگانه^۸، بی‌قدرت^۹ و ناامید^{۱۰} به زندگی منزوی و منفعل خود

- 1- Social goals
- 2- Collective-expectations
- 3- Patterns of behavior
- 4- Moral authority
- 5- State of mind
- 6- Powerlessness
- 7- Meaninglessness
- 8- Self alienation
- 9- Powerlessness
- 10- Hopelessness

ادامه دهد (دورکیم، ۱۹۹۳: ۱۰-۲۰۹).

دورکیم آئومی را برای موقعیت‌ها و وضعیت‌های بی‌سامان و نامنظم اجتماعی به‌کار می‌برد. این اصطلاح از دید دورکیم دارای دو ویژگی است:

۱- تغییرات ناگهانی برآمده از یک بحران غیر طبیعی یا جابجایی سریع قدرت و ثروت.

۲- وضعیت‌های مزمن و کهنه ناشی از پس‌افتادگی و باقی ماندن در قالب‌های فرسوده کهنه (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۶).

دورکیم آئومی را در جوامع در حال تحول جستجو می‌کند و در این خصوص به رابطه میان انسان و نیازها و اهداف می‌پردازد و معتقد است که در این شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوهای انسان‌ها از طرق هنجارها تنظیم و محدود شده است، با از هم پاشیدگی هنجارها و از بین رفتن کنترل آرزوها آئومی یا یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد و حصر نمی‌توانند ارضا و اشباع شوند در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید. سپس این نارضایتی در جریان‌های اقدامات اجتماعی منفی (نظیر خودکشی، اقدامات جنایی، طلاق و غیره) ظاهر می‌گردد. تغییرات شتاب‌زده اجتماعی - اقتصادی موجب از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی و در نتیجه وضعیت سریع آئومیک می‌گردد (رفعی‌پور، ۱۳۷۸: ۱۸).

بنابراین از نظر دورکیم شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه به‌طور جبری آن را به‌سوی شرایط آئومیک می‌برد.

دورکیم پیدایش اشکال آسیب‌شناسانه را نتیجه و پیامد تقسیم کار اجتماعی می‌داند. که خود تقسیم کار اجتماعی ناشی از افزایش جمعیت است. به‌نظر دورکیم زمانی که تحول نیازها و خواسته‌ها با وسایل تطبیق نمی‌کنند و امکانات موجود، پاسخگوی آنها نیست باید درصد محدود نمودن هیجانان بر آمد، در غیر این‌صورت شرایط موجود، وضعیتی آئومیک به خود می‌گیرد. آئومی از نظر دورکیم عکس «حالت سلامت اخلاقی است». قبلاً گفته شد که دورکیم اشکال آسیب‌شناسانه را پیامد تقسیم کار می‌داند و برای توصیف این امر از مفهوم آئومی استفاده می‌کند. «دورکیم در گرایش به افزایش تقسیم کاری که در اجرای خود بی‌تناسب است کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش ستیز میان طبقات اجتماعی را مشاهده می‌کند. طبق نظر دورکیم در چنین اوضاعی، کارکردهای ویژه در تقسیم کار، به‌طور کلی تداوم و تقابل مؤثر بر یکدیگر ندارند. در نتیجه درک نظام اجتماعی، قوانین مشترک

و مهم این قوانین از سوی فرد با مشکل مواجه می‌شود. در چنین حالتی کارکردهای نهادها در یک بخش از تقسیم کار نمی‌تواند با اعمال و انتظارات مردم در بخش‌های دیگر هماهنگ باشد (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۷).

می‌دانیم که هم دورکیم و هم مرتن و نیز جامعه‌شناسان مکتب کارکردی درصدد تبیین نظم و حفظ حالت تعادلی در جامعه‌اند. از نظر این جامعه‌شناسان هرگاه موازنه نظم بر هم بخورد جامعه دچار شرایط بحرانی و آنومی می‌شود. بنابراین در جوامع حال حاضر که جوان، پرائگیزه و متأثر از شرایط جهانی هستند، تحرک و میل به ارتقاء پایگاه اجتماعی بسیار دیده می‌شود. ولی آنچه در عمل دیده می‌شود ناهماهنگی جوامع در رسیدن به سطحی یکسان است. از نظر دورکیم مردم شیوه‌هایی را در زندگی دنبال می‌کنند که از انتظارات و از شغل‌شان و نیازهای طبقاتی‌شان سرچشمه می‌گیرد. برای بسیاری از آنان در دوره‌های بحران، این نقاط اتکاء گسسته می‌شود و ناامیدی نسبت به خواسته‌ها و آرزوها، پوچی را به دنبال می‌آورد، که نتیجه آن تمایل به اقدامات منفی از جمله خودکشی است. این تمایل نه از گرایش‌های درونی فرد، بلکه از سیستم متزلزل اجتماعی نشأت می‌گیرد.

هنگامی که هنجارها، رسوم و رویه‌های ریشه‌دار منسوخ می‌شوند، احساس جمعی ناامنی اجتماعی و بی‌هنجاری بوجود می‌آید. وضعیت هنجارگسیختگی، زمانی بروز می‌کند که حاکمیت قانون جهت تداوم کنترل اجتماعی تضعیف می‌شود و قدرت خود را از دست می‌دهد (سیگل و سنا، در دست چاپ: ۲۲۶). آنومی از میان رفتن و عدم حضور همه قواعد است و این نبود قواعد به روابط بین نظام‌ها، سازمان‌ها، کارکردهای اجتماعی جامعه و به افراد بر می‌گردد. دورکیم در تقسیم کار اجتماعی (۱۸۹۳) اظهار می‌دارد که در حالت آنومی کارکردهای اجتماعی با نیازها به‌طور متقابل تطابق نیافته‌اند، از نظر دورکیم تعادل اجتماعی به‌وسیله بحران‌های اقتصادی و ثروت ناگهانی به هم می‌خورد. این بحران‌ها آنومی را موجب می‌شوند (آرتمان، ۲۰۰۰).

پس آنومی در جامعه‌ای به‌وجود می‌آید که:

- ۱- رشد سریع اقتصادی و اجتماعی در آن روی می‌دهد و
- ۲- در پی آن عده‌ای ثروتمند می‌شوند و
- ۳- این ثروت به انحاء گوناگون برای قشر فقیر به نمایش گذاشته می‌شود و
- ۴- دست‌آخر این‌که، سیستم و ساختار پایدار نیازهای آنان را بر هم می‌زند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹).

۱-۲-۲- مفهوم آنومی نزد «مرتن»

«مرتن» نیز چون «دورکیم» با بهره‌گیری از مفهوم آنومی به تحلیل چگونگی گسستگی و عدم ارتباط بین فرد و ساخت اجتماعی می‌پردازد. «مرتن» در ابتدا دو بعد از سیستم اجتماعی و فرهنگی را مشخص می‌کند:

الف: اهداف، آرزوها، انتظارات و ارزش‌های فرهنگی؛

ب: روش‌ها، شیوه‌ها، وسائل و اسباب دستیابی به این اهداف؛

«مرتن» عدم تجانس بین اهداف، آرزوها، انتظارات و ارزش‌های فرهنگی و اسباب و وسایل نهادی‌شده جهت نیل بدان اهداف و تضاد بین فرد و ساخت فرهنگی و ارزشی حاکم را از ویژگی‌های شرایط آنومی دانسته و آن را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و برخاسته از «ساخت اجتماعی»^۱ در نظر می‌گیرد. به اعتقاد او، «ساخت اجتماعی» برخی از جوامع (از جمله جوامع سرمایه‌داری غربی) مبتنی بر نابرابری است و جامعه از لحاظ طبقاتی همگون نیست و با آن که همه طبقات اجتماعی در معرض تبلیغات ارزشی قرار دارند، وسائل و ابزار نیل به اهداف فرهنگی برای همگان به‌صورت یکسان وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، فرصت‌ها برای عده‌ای موجود و برای عده‌ای موجود نیست (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰).

«مرتن» معتقد است که طبقات محروم، غیرمرفه و پایین جامعه بیش از طبقات دیگر شانس و احتمال دارد که از وسائل و راه‌های غیر مشروع برای نیل به هدف‌های مورد نظر بهره‌گیرند. به‌نظر «مرتن»، تا زمانی که افراد جامعه از اهداف اجتماعی و وسائل نهادی‌شده، جهت نیل بدان‌ها بهره‌مند نباشند توازن، نظم و بهنجاری در جامعه حاکم نیست. به اعتقاد او زمانی که یکی از این دو (هدف و وسیله) یا هر دو هم‌زمان مسدود و در دسترس فرد نباشد، اختلالات رفتاری در صورت‌های مختلفی نظیر انحراف، نابهنجاری و آنومی در فرد ظاهر خواهد شد. وقتی جامعه کاملاً بر فرد کنترل دارد، وی نوعی احساس بی‌قدرتی خواهد کرد، زمانی که هدف و هنجار، هردو، از دید فرد پوچ و بی‌محتواست، نوعی احساس جدایی و انزوای اجتماعی^۲ خواهد داشت و زمانی که فرد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را نپذیرد، دچار نوعی احساس بی‌هنجاری^۳ است. به‌نظر «مرتن»، هر سه جنبه احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوا مجموعاً و یا به‌صورت منفرد ممکن است در فرد ظهور یابد (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۹۴).

پارادایم ساختار اجتماعی و آنومی «رابرت مرتن» چارچوب نظری ارزشمندی را به‌ویژه برای بررسی‌های جرم و انحراف فراهم ساخته است (فیثرسون و دفلم، ۲۰۰۳). «مرتن» هم مانند «دورکیم» علت آنومی را عدم هم‌خوانی و تطابق نیازها و اهداف با امکانات می‌داند. بنابراین تا زمانی که بین نیازها و اهداف با امکانات رابطه‌ای متعادل برقرار باشد. در شرایط نظم قرار داریم و آن‌گاه که این رابطه تعادل به هم بخورد آنومی شروع می‌شود.

«مرتن» در نظریه «ساختار اجتماعی و آنومی» در تلاش است تا به فرایندی دست یابد که از طریق آن ساخت اجتماعی، موقعیت‌ها و فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند که آداب و قوانین اجتماعی مختلف و گاه مخالف طی آن به‌عنوان یک پاسخ طبیعی در نظر گرفته می‌شود. او به دنبال اثبات این فرض است که ساخت اجتماعی، فشارهایی را بر افراد وارد می‌آورد که هدفش هم‌ساختن افراد با ساخت جامعه است. اما این فشار، بیش از آن‌که در جهت هم‌نوایی رفتارها عمل کند در جهت ناهم‌نوایی است و چنان‌چه افراد و گروه‌ها را در چنین شرایطی قرار دهیم باید منتظر بروز رفتار انحرافی در سطحی بالا باشیم و این امر نه به‌خاطر تمایلات غریزی بلکه پاسخ طبیعی انسان‌ها به شرایط اجتماعی است (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۸).

از این گفته برمی‌آید که غایت اجتماعی هر جامعه‌ای هم‌شکلی و هم‌نوایی است و آن در صورتی میسر است که بین اهداف و آرزوها با امکانات هماهنگی و هم‌سویی وجود داشته باشد. مرتن می‌نویسد که وقتی بین اهداف فرهنگی و وسایل تشکیلاتی جهت دستیابی به این اهداف تناسب وجود نداشته باشد در آن‌صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته‌اند احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت. پس می‌توان انتظار داشت که این رفتار انحرافی و آنومی اجتماعی بیشتر در میان اقشار کم‌درآمد و فقیر رخ دهد؛ گروهی که همانند هر انسانی میل به پیشرفت و ارتقا دارد و بالطبع آرزوها و اهدافی را در زندگی دنبال می‌کند ولی به دلایل گوناگونی از جمله آموزش رسمی و نیز پایگاه اقتصادی، قادر به فراهم کردن امکانات جهت برآوردن اهداف نیست طبق نظر مرتن هنگامی که جامعه هدف‌محور باشد ثروت و امکانات مادی، بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد افرادی که دارای آموزش رسمی محدود و منابع اقتصادی کم هستند به‌زودی در می‌یابند که راهی برای کسب ثروت و دیگر راه‌های موفقیت به‌طور قانونی برای آنها میسر نیست. اهداف موفقیت‌مقبول اجتماع در سراسر جامعه یکسان است اما دستیابی به روش‌های مشروع به پایگاه و طبقه اجتماعی بستگی

دارد افرادی که از ساختار فرصت‌های مشروع، خارج مانده‌اند دچار احساس خشم، سرخوردگی، بی‌هنجاری و هنجارگسیختگی می‌شوند (سیگل و سنا، در دست چاپ: ۲۲۶).

مرتن برای سنجش انومی و انحرافات در یک گونه‌شناسی کلی، رفتارهای اجتماعی را در پنج سنخ قرار می‌دهد:

سنخ‌شناسی مدل‌های تطابق و همنوایی افراد

الگوهای همنوایی	اهداف فرهنگی	ابزارهای نهادی شده اهداف
همنوایی یا سازگاری	+	+
نوآوری یا ابداع	+	-
آداب پرستی یا مناسک‌گرایی	-	+
انزواگرایی	-	-
تمرد یا عصیان	+	+
	-	-

علامت مثبت (+) نشانه پذیرش و علامت منفی (-) نشانه رد کردن و علامت (+) نشانه رد کردن ارزش‌های مرسوم و متداول و جایگزین نمودن ارزش‌های جدید است (توسلی، ۱۳۸۲: ۴۰۲).

۱- **همنوایی یا سازگاری:** وقتی رابطه‌ای منطقی از سازگاری فرد با ساخت اجتماعی به وجود می‌آید که بین اهداف (یعنی نیازهای موجود در هر فرهنگی) و امکانات (وسایل و راه‌های دستیابی به اهداف) در هر قشری هماهنگی وجود داشته باشد.

۲- **نوآوری یا ابداع:** حالتی است که فرد اهداف اجتماعی موجود را قبول دارد ولی امکانات و وسایل موجود را برای دستیابی به آن اهداف کافی نمی‌بیند به عبارت دیگر، رفتاری با اهداف نهادی شده است که ابزارهای تجویز شده و هنجارهای رایج را استفاده نمی‌کند. هرگاه انسان‌ها، اهداف فرهنگی را که با استفاده از مجوزهای نهادی تحقق می‌یابند اما وسایل برآوردن این اهداف از طرف جامعه در اختیارشان گذاشته نمی‌شود ما شاهد بروز چنین حالتی هستیم که مرتن بیشترین توجه خود را به این نوع رفتار معطوف می‌کند.

۳- **آداب پرستی یا مناسک‌گرایی:** در این حالت با عکس حالت قبل مواجه هستیم یعنی اشخاص در اجتماع، اهداف نهادی شده را بر نمی‌تابند و از قبول آنها سر باز می‌زنند ولی در عوض ابزار و امکانات فراهم شده جهت نیل به این اهداف را

قبول می‌کنند. این رفتار اجتماعی می‌تواند خطرناک باشد و زمینه عقب‌ماندگی فرهنگی و اجتماعی را فراهم کند. مثلاً می‌توان از کارگزاران یک سازمان دخیل در امور مردم نام برد که گردانندگان آن هیچ اعتقادی به اهداف سازمان ندارند ولی مرتباً سر کار می‌آیند. بدترین این نوع را می‌توان در ارتش و نظام دفاعی کشور مثال زد. این‌گونه افراد، آماده هم‌شکلی، هم‌نوایی و سازگاری شدید با هنجارهای نهادی شده‌اند و این امر به‌قیمت نادیده گرفتن و از نظر انداختن اهداف مجاز فرهنگی است.

۴- **انزوای و عزالت‌گزینی:** این حالت، مجموع دو رفتار قبلی است. بدین معنی که نه شخص، نه اهداف نهادی شده و نه ابزار امکانات موجود را قبول می‌کند. ردّ اهداف و ابزار با خروج افراد از زندگی فرهنگی و اجتماعی توأم بوده منجر به وضعیتی می‌شود که اهداف فرهنگی اعمال نهادی، توسط افراد، شبیه‌سازی می‌شود و با تاثیرات ارزشی برتری آغشته می‌گردد که طرح قابل قبول نهادی شده این توفیق‌ها به‌هیچ‌وجه وجود ندارد و به‌دلیل روحیه یأس و شکست که در آنها به‌وجود می‌آید قادر به جایگزین کردن روش و اهداف و امکانات مناسب نیستند.

۵- **تمرّد، عصیان یا شورش:** در این حالت هم مثل حالت قبل نه اهداف نهادی پذیرفته می‌شوند و نه ابزار و امکانات منتهی در این حالت افراد به جای غصه خوردن و ناامیدی، مجموعه‌ای از اهداف و امکانات جدید را بازسازی و جایگزین می‌کنند (رفیع پور، ۱۳۷۸؛ توسلی، ۱۳۸۲).

هر گروه اجتماعی همواره میزان اهداف مطلوبش را با قواعد نهادی یا اخلاقی دستورالعمل‌های مجاز جهت تعقیب این اهداف همراه می‌سازد. این هنجارهای تنظیم‌کننده و دستورات اخلاقی الزاماً با هنجارهای تکنیکی یا کارکردی انطباق ندارد.

مرتن مشاهده می‌کند که اهداف و هنجارهای نهادی ناظر بر «مسایل رسیدن به اهداف» ممکن است مستقل از یکدیگر عمل نمایند و برخی اوقات به وضعیت‌های ناهماهنگ منجر گردد. انتهای دیگر ناهماهنگی اهداف - وسایل، تأکید بیش از حد بر هم‌نوایی با هنجارهاست و بین این دو انتها، سیستم‌هایی وجود دارد که بین تأکید بر اهداف و تأکید بر وسایل، توازن را حفظ می‌کند. و این جوامع با وجود دگرگونی، عمدتاً دارای همبستگی نسبتاً باثبات‌اند (مرتن، ۱۹۷۶ و مرجایی، ۱۳۷۲: ۳۴).

۱-۳-۳- ابعاد تتوریک انومی^۱

۱-۳-۱- انومی اجتماعی

از نظر «مرتن» اولین بستر شکل‌گیری انومی یا بی‌هنجاری، اجتماع و شرایط حاکم بر آن است. بنابراین در وهله اول می‌توان ریشه انومی را در اجتماع جستجو کرد؛ اجتماعی که در آن هنجارها و نظارت بر نقش‌ها و رفتارهای افراد جامعه ضعیف شده است. نظام گسیختگی بر اثر به‌هم‌خوردن یا از بین رفتن پیوستگی سازمان اجتماعی بوجود می‌آید. بنابراین در این حالت وضعیتی بوجود می‌آید که بین افراد اجتماع و سازمان‌های جامعه، عدم هماهنگی و همسویی برقرار می‌شود. عدم کارکرد درست نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی، موجب می‌شود که افراد به هدف‌های خود و هدف‌های اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، نرسند و هنگامی که احساس بی‌هنجاری در اجتماعی به فرد و یا افراد دست بدهد، انومی فردی در سطح اجتماع همه‌گیر می‌شود.

مطمئن‌نبودن از آینده و این‌که در آینده چه پیش خواهد آمد؛ احساس این‌که جامعه محل زندگی، فاقد قانون و مقررات است؛ تمایل به خلاص‌شدن و موضع خشی اتخاذکردن در مقابل رویدادهای پیرامون؛ حتی پشیمان شدن از این‌که چرا به دنیا آمده‌ای و اصولاً چرا می‌خواهی ازدواج کنی و بچه‌دار شوی؛ بفرنج و متشنج دانستن جامعه و فضای زندگی و مواردی از قبیل اعمال خلاف مقررات و عرف و دین می‌تواند به انحاء مختلف به انومی در سطح اجتماع دامن بزند. این احساسات و تمایلات انومیک می‌تواند معلول شرایطی باشد که ریشه در اجتماع دارد. هرگاه در جامعه‌ای اجتماعی شدن افراد به‌درستی صورت نگیرد امکان بروز نظام گسیختگی وجود دارد. یا زمانی که شعور عمومی جامعه در مقابل یافتن راه حل معضلات ناتوان باشد، بحران و انومی دامن‌گیر جامعه می‌شود. مواردی از این قبیل و نیز عدم هم‌خوانی نظام اجتماعی با کارکردهای اصلی؛ عدم دستیابی همه اعضا به اهداف نهادی شده و تعیین‌شده؛ عدم ارتباط منطقی و کافی و نیز کارکردی میان گروه‌های مختلف یک جامعه و سرانجام تضاد طبقاتی می‌تواند شرایط انومیک هر جامعه‌ای را تشدید کند (توسلی، ۱۳۸۲: ۴-۵۳).

در مقابل نظریه‌پردازان انومی که هراسان از وجود شرایط بحرانی در جامعه‌اند، دانشمندانی مثل «پارسونز» بر انسجام اجتماعی تأکید می‌کنند. پارسونز در نظام کنش خود چهار کارکرد برای آن قائل است. اولین کارکرد، سازگاری است که روابط میان نظام کنش و محیط بیرونی‌اش را تأمین می‌کند. دومین کارکرد آن دستیابی به هدف است. در این مجموعه، کنش‌هایی است که اهداف نظام را تعیین می‌کند. سومین کارکرد،

یگانگی است که منظور از آن بُعد ثبات‌بخشنده نظام است؛ بُعدی که کنش‌های حمایت‌گر نظام در برابر تغییرات ناگهانی و اختلالات بزرگ و کنش‌هایی که باید یکپارچگی و همبستگی لازم برای ماندگاری کارکرد نظام را تأمین کند، در آن جا دارد. و دست‌آخر کارکرد حفظ‌الگوهای فرهنگی که طبق این کارکرد هر نظام کنش به مجموعه‌ای از اجزای کنشی نیاز دارد که کارشان ایجاد انگیزش لازم در کنش‌گران است. این کارکرد، نقطه تماس میان نظام کنش و دنیای نمادین و فرهنگی است (روشه، ۱۳۷۶: ۷۶).

بهر حال، پارسونز برعکس آنچه جامعه‌شناسانی نظیر «مرتن» و «دورکیم» می‌گویند که وجود چنین شرایطی منجر به بروز آنومی می‌شود، معتقد است رعایت اصول یادشده انسجام و نظم اجتماعی را به دنبال دارد.

۱-۳-۲. آنومی اقتصادی

کسانی مثل «دورکیم» اقتصاد را عامل مهمی در بروز ناامنی و آنومی اجتماعی می‌دانند. آنومی اقتصادی به معنای عدم تناسب بین نیازها و اهداف اجتماعی و امکانات مالی و اقتصادی و راه‌های اقتصادی رسیدن به این اهداف است. در حقیقت از موضع همه جوانان، عامل اقتصادی، عاملی اثرگذار در سکوی پرتاب به سوی آینده‌ای مطمئن است. احساس این‌که در اداره یا سازمانی قرار باشد استخدام شوی ولی در آن اداره و سازمان دوست و آشنایی نداشته باشی یا به اصطلاح فاقد پارتی باشی، احساسی است که منجر به آنومی می‌شود که ریشه در مسائل اقتصادی دارد. یا هنگامی که این احساس به آدم دست بدهد که به اندازه‌ای که کار می‌کند و استعداد دارد، حقوق و مزایا دریافت نمی‌کند باعث سرگشتگی، بی‌میلی و تاخدی عدم تعهد خواهد شد. تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه آنومی، مشخص کرده‌اند که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و احساس آنومی آن، رابطه معناداری وجود دارد (گیویان، ۱۳۷۱: ۷۳). می‌توان رابطه مستقیمی بین آنومی و شرایط اقتصادی فرض کرد یعنی هرچه پایگاه اقتصادی افراد بالا می‌رود میزان احساس آنومی نیز بیشتر می‌شود. چرا که بالا رفتن پایگاه و منزلت اقتصادی، سطح انتظارات فرد را نیز بالا می‌برد و چون همه انتظارات و آرزوهای فرد در جامعه قابلیت برآورده شدن ندارند، احساس آنومی به شخص دست می‌دهد.

یکی دیگر از مسائل اقتصادی که منجر به احساس آنومی می‌شود، امنیت شغلی است. اگر شخص احساس کند که به دلایل نامشخصی شغل خود را ممکن است از دست بدهد، دچار سرگشتگی و عدم تعهد و التزام به معیارها و هنجارها خواهد شد.

۱-۳-۳- آنومی سیاسی

آنومی سیاسی به نظر «دورکیم» در جامعه‌ای سیاست‌زده بروز می‌کند. در جوامع مدرن، جامعه سیاسی به مفهوم دولت نزدیک می‌شود که متشکل از دو عنصر است: «حکومت‌کنندگان» و «حکومت‌شوندگان». دورکیم اعتقاد دارد که دولت مظهر «وجدان جمعی» است. و وظیفه آن، تنظیم قواعدی است که رفتار شهروندان را تنظیم می‌کند. البته «دورکیم» به علت نوعی دولت‌گرایی، همواره عدم التزام و در نتیجه آنومی را متوجه شهروندان می‌داند زیرا دولت از نظر او مظهر وجدان جمعی و وظیفه آن نظارت بر رعایت قواعد اجتماعی است. به هر حال، آنومی سیاسی وضعیتی است که در آن کنش‌گران نسبت به قواعد جامعه سیاسی التزام ندارند و پیروی از آن قواعد برای آنها مطلوبیتی ندارد (کوثری، ۱۳۸۲: ۳۲۵).

اما باید دید که احساس آنومی سیاسی در چه شرایطی دست می‌دهد. این احساس تشدید می‌شود که شخص احساس کند: جناح‌بندی‌های سیاسی در کشور نقشی ندارند و نمی‌توانند مشکلات مردم را حل کنند و یا اصولاً ساختار سیاسی کشور قادر به حل مشکلات نباشد؛ در گزینش افراد برای تصدی امور مهم، اصل شایسته‌سالاری رعایت نشود؛ سردمداران و سکانداران مملکت قادر به تشخیص مسیر حرکت نباشند و ندانند که مملکت را به چه سمتی خواهند برد و در پایان این‌که موضع سیاست خارجی کشور برای افراد آن کشور مبهم باشد.

۱-۴- مروری بر مطالعات پیشین در ایران

در زمینه بررسی آنومی اجتماعی در سطح جهانی، کارهای زیادی انجام شده است که مشهورترین آنها، کارهای جامعه‌شناسانه «امیل دورکیم» و «رابرت مرتن» است. نظرات و دستاوردهای این اندیشمندان توسط سایر محققین در کشورهای مختلف بررسی شده است. در ایران نیز محققین علوم اجتماعی تلاش فراوانی برای عملیاتی نمودن تئوری آنومی و بررسی آن در بین اقشار مختلف انجام داده‌اند. در این بخش به بررسی مختصر چند اثر پژوهشی در این رابطه پرداخته می‌شود.

«مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک» اثری است تحقیقی که در بخشی از آن به موضوع آنومی اشاره شده است. این پژوهش درصدد شناخت زمینه‌ها و میزان ازخودبیگانگی، بی‌تفاوتی، انزوای اجتماعی، شناخت انواع بی‌هنجاری‌ها و زمینه‌های ذهنی آن است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از میان کسانی که دست به مفاسد اجتماعی زده‌اند و مجرم شناخته شده و به زندان افتاده‌اند، افراد جوان‌تر، افراد با

تحصیلات متوسط و پایین، مجردها، مردها، زنان متأهل و نیز افراد با مشاغل آزاد و متفرقه، بیشتر از دیگران مرتکب مفاسد اجتماعی یا بزهکاری شده‌اند. جرایم مردان، متنوع‌تر و جرایم زنان، به‌لحاظ محدودیت محیط فعالیت، محدودتر است. در زمینه مفاسد اجتماعی ۵۶ درصد متهمان از قشر متوسط هستند و ۷۲ درصد دارای هم‌نویی کم با ارزش‌های موجود جامعه‌اند. نتایج، حاکی از آن است که بین سابقه‌داران و جنسیت رابطه‌ای وجود ندارد، یعنی زنان و مردان به یک نسبت دارای سابقه ارتکاب جرم نیستند ولی محکومیت بالاتر از یک سال در میان زنان بیشتر از مردان است، ۹۰ درصد زنان بیشتر از یک سال و ۴۰ درصد مردان کم‌تر از یک سال محکومیت دارند. علاوه بر این ۹۰ درصد زنان مجرم، متأهل بوده‌اند، همچنین محیط‌های شهری، افراد را بیشتر به‌سوی رفتارهای ناهنجار سوق می‌دهد (توسلی، ۱۳۸۲).

یافته‌های تحقیق ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج دوم» که در سال ۱۳۸۱ در میان ۴۵۸۱ نفر از شهروندان ایرانی انجام گرفته است نشان می‌دهد که فاصله فقیر و غنی در ۵ سال اخیر بیشتر شده است بر این اساس از میان جامعه آماری مورد مطالعه، ۸۷/۹ درصد اظهار کرده‌اند که این فاصله بیشتر شده است و ۷/۴ درصد آن را کم‌تر ارزیابی کرده‌اند. در حیطه آینده سیاسی ۴۱/۹ درصد معتقدند که اوضاع سیاسی طی ۵ سال گذشته بهتر شده و ۳۹ درصد آن را بدتر ارزیابی کرده‌اند. همچنین در خصوص میزان جرم و جنایت ۷۴/۶ درصد اعتقاد دارند که بیشتر شده در حالی که ۱۶ درصد آن را کم‌تر ارزیابی کرده‌اند. در زمینه ارزش‌های اخلاقی ۸۷/۴ درصد مردم معتقدند که این ارزش‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند. ۳۱/۳ درصد، فعالیت آزادانه احزاب را در حد کم و ۲۷/۳ درصد آن را زیاد ارزیابی کرده‌اند، ۵۱/۸ درصد در حد کم، نگران از دست دادن شغل و ۲۹/۴ درصد به میزان زیاد، نگران این وضع هستند. ۱۸/۸ درصد موافق اطاعت از هرگونه قوانین و ۸۱/۲ درصد می‌گویند نباید از قانون نامناسب اطاعت کرد. در این تحقیق ۳۰/۶ درصد پاسخگویان مهمترین مشکل جامعه را بیکاری، ۴۷/۱ درصد مشکلات سیاسی و حکومتی، ۲/۸ درصد مشکلات فرهنگی، ۹/۱ درصد مشکلات اجتماعی می‌دانند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲).

تحقیق «علل موثر بر آنومی سیاسی در شهروندان تهرانی» که در میان ۴۰۴ نفر از شهروندان بالای ۱۶ سال شهر تهران در سال ۱۳۸۰ انجام گرفته است معطوف به این بحث است که جامعه ایران در دهه دوم انقلاب اسلامی (۱۳۷۰-۱۳۸۰) دو جریان نوسازی اقتصادی (سازندگی) و سیاسی (اصلاحات) را پشت سر گذاشته است. این تغییرات شتابان اقتصادی - سیاسی آثار مختلفی بر جامعه ایران گذاشته

است و به نظر می‌رسد یکی از این آثار، تشدید نابسامانی‌ها در صحنه سیاسی ایران باشد. این تحقیق با طرح مفهوم «انومی سیاسی» و با تأکید بر نظریه انومی سیاسی «دورکیم» علل مؤثر بر این وضع را توضیح می‌دهد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ۶۴ درصد مردم احساس انومی سیاسی می‌کنند، ۴۴/۷ درصد معتقدند که انومی سیاسی وجود دارد. ۱۵/۶ درصد به وجود بی‌هنجاری در جامعه پاسخ مثبت داده‌اند و ۱۹/۳ به ناعادلانه بودن قواعد، رأی داده‌اند. در این راستا احساس ناعادلانه بودن، ضعف یگانگی سیاسی، فردگرایی سیاسی، ضعف در یگانگی دینی، سکولاریسم، مهمترین عوامل مؤثر بر ارزیابی شهروندان هستند (کوثری، ۱۳۸۲).

تحقیق دیگری تحت عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان» که با نمونه ۱۴۴ نفری از میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی غیرعلوم پزشکی تهران در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ انجام گرفته‌است و در آن دو مفهوم مشارکت فرهنگی و بیگانگی فرهنگی یا انزوای ارزشی مورد بررسی قرار گرفته‌است. طبق یافته‌های تحقیق ۴۰ درصد پاسخگویان غیردانشجو، رضایتی متوسط از زندگی دارند. میزان انومی اجتماعی بر اساس مقیاس «اسرول» در هر دو گروه بالا است: ۴۱ درصد در گروه دانشجویان و ۴۸ درصد در گروه غیر دانشجو دارای انومی اجتماعی بالا هستند. از نظر میزان بیگانگی سیاسی هر دو گروه در سطح متوسط قرار دارند به طوری که، ۴۹ درصد گروه اول و ۴۰ درصد گروه دوم در حد متوسطی احساس بیگانگی سیاسی می‌کرده‌اند. میزان اعتماد اجتماعی در هر دو گروه پایین است: ۱۱ درصد گروه اول و ۹ درصد گروه دوم دارای اعتماد اجتماعی بالا هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰).

نتایج تحقیق «انومی یا آشفتگی اجتماعی در سطح شهر تهران» که در بین ۳۵۰ شهروند تهرانی در سال ۱۳۷۳ انجام شده، نیز نشان می‌دهد که نه تنها دزدی و کارهای نامشروع افزایش یافته، بلکه در زمینه هنجارهای رسمی، عدم رعایت قواعد و هنجارها بسیار گسترده‌است. متغیر تحصیلات با متغیرهای رفتار آنومیک رابطه معنی‌دار مثبتی نداشت بلکه رابطه‌ای در جهت منفی ($r=0/048$) اما بدون معنی‌داری بود. از طرف دیگر بین هزینه و پیروی از قانون یک همبستگی منفی ($r=0/075$) با سطح معنی‌داری ($s=0/086$) به چشم می‌خورد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۱۲/۴ درصد کاملاً موافق این گزینه هستند که قوانین دست و پا گیرند و باعث عقب‌ماندگی می‌شوند و ۱۳ درصد کاملاً مخالف این گویه هستند. در شرایط بروز رفتار آنومیک ۳۳/۸ درصد کاملاً موافق این امر بودند که هرکسی باید حق خودش را بگیرد و ۷/۲ درصد کاملاً مخالف این گزینه بودند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که

۶۷/۸ درصد مردم معتقدند که اعتماد مردم به هم کم شده و تنها ۳/۲ درصد آن را افزایش یافته ارزیابی کرده‌اند. در زمینه اعتماد به مسئولان ۴۴ درصد سطح اعتماد به مسئولان را کم و ۴/۱ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند (رفیع پور، ۱۳۷۸).

بررسی «آنومی: علل و عوامل مؤثر بر آن» که در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۷۹-۷۸) انجام گرفته است اکثر قریب به اتفاق جامعه آماری را دارای احساس آنومی می‌داند. این میزان در بین دانشجویان متفاوت است. ۳۰ درصد دانشجویان دارای احساس آنومی بالا، ۵۹ درصد دارای احساس آنومی متوسط و ۱۱ درصد احساس آنومی پایین دارند. همچنین ثابت شده است که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و احساس آنومی، رابطه معناداری وجود دارد. هرچه پایگاه اقتصادی بالا می‌رود احساس آنومی شدیدتر می‌شود؛ ۵۰ درصد پاسخگویان از طبقه پایین، ۴۲ درصد از طبقه متوسط و ۸ درصد از طبقه بالا بودند. از نظر میزان همبستگی اجتماعی ۲۷ درصد همبستگی اجتماعی پایینی را احساس می‌کردند، ۵۱ درصد در حد متوسط و ۲۲ درصد در حد بالا احساس همبستگی اجتماعی می‌کردند (گیویان، ۱۳۷۳).

۵-۱- روش‌شناسی تحقیق

۱-۵-۱- روش تحقیق

این تحقیق به صورت مطالعه پیمایشی^۱ انجام گرفته است. داده‌های مورد نیاز پس از مطالعات اسنادی و طراحی مدل علی از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. در این تحقیق مشخصات توصیفی پاسخگویان از طریق ۱۲ سؤال و دیدگاه‌ها و نگرش آنان بوسیله ۳۰ سنجه (گویه) مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. اندازه‌گیری بیم و امید جوانان در سطح ملی، صنفی و شخصی و سنجش احساس آنومی در بین جوانان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله اهداف تحقیق حاضر می‌باشد.

تحقیق حاضر از نوع مطالعه پیمایشی می‌باشد، از این رو اطلاعات آن از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است و برای کمی نمودن یافته‌های آن از روش‌های آماری گوناگونی استفاده شده است. در مرحله اول از روش‌های آماری برای ساخت و ارزیابی اعتبار و روایی وسایل اندازه‌گیری (پرسشنامه تحقیق) استفاده شده است. این روش‌ها که عمدتاً ناظر بر دقت در اندازه‌گیری گویه‌های سنجشی و ساخت مفاهیم انتزاعی و مقیاس‌های تحقیق است عبارتند از: تحلیل عاملی^۲، تحلیل روایی

1- Survey study
2- Factor analysis

مقیاس‌ها^۱ و تحلیل واریانس یک‌طرفه (منصوری، ۱۳۷۶). همچنین در مقاله حاضر، از مدل‌های تحلیلی - علی بهره گرفته شده است و برای برازش مدل‌ها و محاسبه ضرایب مسیر از جمله: اثرهای علی کل؛^۲ ضرایب استاندارد شده مسیر؛^۳ ضرایب همبستگی چندگانه برای معادلات ساختاری^۴ و ضریب کل تبیین برای معادلات ساختاری^۵ از برآوردهای روش لیزرل^۶ استفاده شده است (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۷، ۱۳۷۴).

۱-۵-۲- شیوه نمونه‌گیری و روش جمع‌آوری داده‌ها

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق بر اساس روش نمونه‌گیری PPS صورت گرفته است. در این شیوه بر اساس حجم جمعیت در مناطق شهری از طریق مرکز آمار ایران (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵) ۱۰۰ بلوک انتخاب و به همراه نقشه‌های شهری در اختیار گروه تحقیق قرار گرفت. پس از انجام مرحله پلاک‌شماری از بلوک‌ها و شماره‌گذاری آنها، به تناسب حجم نمونه از قبل برآورده شده (۵۰۰ نفر)، آدرس ۵۰۰ نمونه مورد نظر به تفکیک هر بلوک از طریق جدول اعداد تصادفی انتخاب گردید. تعدادی نمونه نیز برای جایگزینی نمونه‌های گم شده در نظر گرفته شد. پرسش‌گران تحقیق پس از مراجعه به نمونه‌های از قبل تعیین شده با در نظر داشتن توزیع سنی و جنسی پاسخگویان در هر بلوک و انتخاب نمونه مورد نظر نسبت به تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق از بین ۵۰۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران در مرداد ماه ۱۳۸۰ اقدام نمودند.

۲- مروری کلی بر نتایج تحقیق

۱-۲- سیمای کلی نمونه آماری

در این پژوهش ۵۲٪ (۲۶۰ نفر) پاسخگویان تحقیق مرد و ۴۸٪ (۲۴۰ نفر) پاسخگویان زن می‌باشند. داده‌ها نشان می‌دهد که از میان پاسخگویان تحقیق به تفکیک شغل، ۲۸/۴٪ (۱۴۲ نفر) بیکار؛ ۱۵/۸٪ (۷۹ نفر) دانشجو و ۲۸/۱٪ (۱۴۰ نفر) دانش‌آموز می‌باشند و ۱۳/۲٪ (۶۶ نفر) در مشاغل فنی و آزاد و ۵/۸٪ (۲۹ نفر) در مشاغل تخصصی مشغول می‌باشند همچنین ۳/۲٪ (۱۶ نفر) کارمند و ۵/۴٪ (۲۷ نفر) خانه‌دار هستند.

1- Reliability analysis scales

2- Total effects

3- Standardized solution

4- Squared Multiple Correlations for Structural Equations

5- Total Coefficient of Determination for Structural Equations

6- Lisrel method estimated

همچنین ۲۲٪ (۱۰۸ نفر) پاسخگویان مجرد و ۷۸٪ (۳۸۴ نفر) متأهل هستند. از میان ۱۰۰٪ (۴۹۸ نفر) پاسخگویان ۲/۶٪ دارای تحصیلات ابتدائی؛ ۳۵/۷٪ (۱۷۹ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی؛ ۳۹/۴٪ (۱۹۶ نفر) دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم بوده ۲۲/۳٪ (۱۱۱ نفر) پاسخگویان دانشجو و لیسانس می‌باشند. به‌لحاظ سنی، ۳۶/۶٪ (۱۸۳ نفر) پاسخگویان در سنین بین ۱۵-۱۹ سال و ۳۹/۴٪ (۱۹۷ نفر) پاسخگویان در سنین بین ۲۰-۲۴ سال قرار دارند و ۲۴٪ (۱۲۰ نفر) بالای ۲۵ سال هستند. میانگین سنی افراد مورد مطالعه در این تحقیق ۲۱ سال می‌باشد.

پاسخگویان بر اساس منبع درآمدشان به سه گروه تفکیک شدند. گروه اول پاسخگویانی هستند که منبع درآمدشان خودشان می‌باشند، گروه دوم محل درآمدشان فعلاً خانواده می‌باشد و گروه سوم منبع درآمدشان همسران یا سایر منابع می‌باشد. داده‌ها حاکی از آن است که ۲۴٪ (۱۲۰ نفر) پاسخگویان منبع درآمدشان خودشان هستند، درآمد ۲۸٪ (۱۴۰ نفر) پاسخگویان توسط خانواده تامین می‌شود و درآمد ۴۸٪ (۲۴۰ نفر) پاسخگویان از ناحیه همسران‌شان و سایر منابع تامین می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۱/۲ درصد پاسخگویان (۳۵۶ نفر) تاکنون هیچ درآمدی نداشته‌اند و صرفاً ۲۸/۸ درصد پاسخگویان دارای درآمد هستند که از آن میان ۶/۴ درصد آنها در سن ۱۵ سالگی و کم‌تر دارای درآمد شده‌اند؛ ۱۵ درصد افراد مورد مطالعه در سن ۲۰-۱۶ سالگی و ۷/۴ درصد نیز در سن ۲۱ سالگی به بالا دارای درآمد شده‌اند. به‌طور میانگین افراد درآمددار از سن حدود ۱۹ سالگی به بعد دارای درآمد شده‌اند. در ارتباط با مدت درآمددار شدن نیز ملاحظه می‌شود که ۱۳/۸ درصد پاسخگویان (درآمددار) یک سال یا کم‌تر از یک سال است که دارای درآمد هستند و ۱۹/۷ درصد ۲ سال، ۹/۹ درصد ۳ سال، ۱۰/۶ درصد ۴ سال، ۱۰/۶ درصد ۵ سال، ۶/۳ درصد ۶ سال و ۲۹/۶ درصد ۷ سال و بیشتر است که دارای درآمد هستند. میانگین مدت درآمددار شدن بین افراد مورد مطالعه حدود ۵ سال است.

از تلفیق میانگین مدت درآمددار شدن با میانگین سال درآمددار شدن می‌توان نتیجه گرفت که آن دسته از افراد مورد مطالعه که شاغل می‌باشند از حدود ۱۹-۲۰ سالگی دارای درآمد شده‌اند هرچند این افراد ۲۸/۸ درصد کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. از مجموعه اطلاعات مذکور می‌توان حدس زد که سن جامعه‌پذیری اقتصادی و ورود به فرایند کار و درآمد در بین اکثریت (بیش از دو سوم) جوانان شهر تهران بالای سن ۲۹ سالگی (سن خیلی بالا) می‌باشد. به‌طوری‌که

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد صرفاً کم‌تر از یک سوم جوانان ۲۹-۱۵ ساله دارای شغل درآمد دار می‌باشند. این مسئله قطعاً تأثیر بسیار زیادی در روحیه اجتماعی و احساسات فردی آنها می‌گذارد که در بخش‌های بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲- سنجش و اندازه گیری «احساس انومی در بین جوانان»

۲-۲-۱- تحلیل عاملی

در مقاله حاضر تلاش شده است تا ابعاد احساس انومی در بین جوانان مورد بررسی قرار گیرد. مولفه‌هایی چون غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده، بی‌قانونی، یأس، نیاز به پارتی، آشفتگی جناح‌های سیاسی و در اندازه‌گیری احساس انومی در بین جوانان مورد نظر می‌باشد. ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در این قسمت اندازه‌گیری شده است و پاسخگویان میزان موافقت و مخالفت خود را نسبت به هر یک از گویه‌ها در قالب «طیف لیکرت» پنج‌گزینه‌ای، شامل کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم ابراز کرده‌اند. گویه‌های زیر به سنجش ابعاد مختلف احساس انومی در بین جوانان می‌پردازد.

- ۱- با شرایط نامطمئنی که در جامعه وجود دارد هیچ‌کس نمی‌داند تا فردا چه پیش خواهد آمد.
- ۲- وضعیت جامعه ما به گونه‌ای است که گویا قانونی در جامعه وجود ندارد.
- ۳- بعضی وقت‌ها از شدت نابسامانی جامعه دلم می‌خواهد زودتر از دست این دنیا خلاص شوم.
- ۴- در جامعه ما هیچ‌کس حاضر نیست کارهایش را از طریق قانونی پیش ببرد.
- ۵- آدم بعضی وقت‌ها از ازدواج کردن و بچه‌دار شدن پشیمان می‌شود.
- ۶- هرچه زمان می‌گذرد وضعیت جامعه متشنج‌تر می‌شود.
- ۷- امروزه شرایط طوری است که اکثراً افراد حقوق همدیگر را رعایت نمی‌کنند.
- ۸- اکثریت مردم به خاطر منافع اقتصادی‌شان، حتی حاضر به انجام کارهای خلاف عرف و قانون‌اند.
- ۹- من احساس می‌کنم اگر دوست و آشنا در ادارات نداشته باشم کارم پیش نمی‌رود.
- ۱۰- من فکر می‌کنم در جامعه ما حق به حق‌دار نمی‌رسد.
- ۱۱- استخدام بدون داشتن پارتی و آشنا ممکن نیست.

- ۱۲- من فکر می‌کنم شرایط اقتصادی جامعه آنقدر نابسامان است که به اندازه استعدادم نتوانم درآمد داشته باشم.
- ۱۳- من فکر می‌کنم در کشور ما به هر دلیل غیرموجهی احتمال دارد آدم شغلش را از دست بدهد
- ۱۴- احساس می‌کنم که فعالیت جناح‌های سیاسی در حل مشکلات کشور اثری ندارد.
- ۱۵- ایران سیاست خارجی مشخصی در مقابل کشورهای پیشرفته ندارد.
- ۱۶- ساختار سیاسی مملکت ما قادر به حل مشکلات مردم نیست.
- ۱۷- شرایط سیاسی در ایران طوری است که افراد لایق و شایسته برای کارهای حساس انتخاب می‌شوند.
- ۱۸- در کشور ما جناح‌های سیاسی به‌طور شفاف و واضح می‌دانند که مملکت را به چه سمتی دارند می‌برند.
- برای مشخص کردن ابعاد آنومی و گویه‌های آن از «تحلیل عاملی اکتشافی» استفاده شده است و قابلیت تحلیل عاملی توسط آزمون‌های KMO مورد آزمون قرار گرفته است. تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به احساس آنومی نشان می‌دهد که احساس آنومی یک سازه سه‌بعدی است. بعد اول، احساس آنومی اجتماعی است که شامل ۸ گویه می‌باشد. بعد دوم، آنومی اقتصادی می‌باشد که شامل ۵ گویه است و بعد سوم، احساس آنومی سیاسی است که شامل ۵ گویه می‌باشد.
- نتایج تحلیل عاملی به‌دست آمده نشان می‌دهد که مقدار ویژه عامل اول $6/794$ و مقدار درصد واریانس تبیین‌شونده توسط این عامل $37/75$ می‌باشد. همچنین مقدار ویژه عامل دوم $1/63$ و مقدار درصد واریانس تبیین‌شونده توسط این عامل $9/06$ می‌باشد. و مقدار ویژه عامل سوم $1/16$ و مقدار درصد واریانس تبیین‌شونده توسط این عامل $6/45$ می‌باشد که همگی دلالت بر اعتبار قابل قبول مفاهیم مذکور دارد.

۲-۲-۲- میزان روایی مقیاس‌ها

«آلفای کرونباخ» یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری سنجش روایی مقیاس‌ها می‌باشد که بر اساس سازگاری درونی گویه‌های یک مقیاس را نشان می‌دهد. ضریب روایی مقیاس آنومی اجتماعی $0/82$ ، ضریب روایی آنومی اقتصادی $0/76$ و ضریب روایی احساس آنومی سیاسی $0/60$ می‌باشد که این میزان از آلفا نشان‌دهنده روایی بالای گویه‌ها در تشکیل مقیاس‌های مذکور می‌باشد.

جدول شماره ۱- نتایج آزمون تحلیل عاملی گویه‌ها و آزمون روایی مقیاس‌های «احساس آتومی در بین جوانان»

عامل‌ها	گویه‌ها	بارهای عاملی گویه‌ها	مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده	ضریب روایی مقیاس (مقدار آلفا)	نمونه مورد آزمون	تعداد گویه‌ها
عامل اول: آتومی اجتماعی	۱- با شرایط نامطمئنی که در جامعه وجود دارد هیچ‌کس نمی‌داند تا فردا چه پیش خواهد آمد.	۰/۷۵۳	۶/۷۹۳ (۳۷/۷۵)	۰/۸۲	۲۷۸	۸
	۲- وضعیت جامعه ما به گونه‌ای است که گویا قانونی در جامعه وجود ندارد.	۰/۷۳۳				
	۳- بعضی وقت‌ها از شدت ناپسامانی جامعه دلم می‌خواهد زودتر از دست این دنیا خلاص شوم.	۰/۷۲۰				
	۴- در جامعه ما هیچ‌کس حاضر نیست کارهایش را از طریق قانونی پیش ببرد.	۰/۶۱۲				
	۵- آدم بعضی وقت از ازدواج کردن و بچه دار شدن پشیمان می‌شود.	۰/۵۹۲				
	۶- هر چه زمان می‌گذرد وضعیت جامعه متشنج‌تر می‌شود.	۰/۵۸۹				
	۷- امروزه شرایط طوری است که اکثر افراد حقوق همدیگر را رعایت نمی‌کنند.	۰/۵۸۱				
	۸- اکثریت مردم به خاطر منافع اقتصادی‌شان، حتی حاضر به انجام کارهای خلاف عرف و قانون‌اند.	۰/۴۲۳				
عامل دوم: آتومی اقتصادی	۱- من احساس می‌کنم اگر دوست و آشنا در ادارات نداشته باشم کارم پیش نمی‌رود.	۰/۸۱۳	۱/۶۳ (۹/۰۶)	۰/۷۶	۳۵۷	۵
	۲- من فکر می‌کنم در جامعه ما حق به حق‌دار نمی‌رسد.	۰/۷۵۲				
	۳- استخدام بدون داشتن پارتی و آشنا ممکن نیست.	۰/۷۱۸				
	۴- من فکر می‌کنم شرایط اقتصادی جامعه آنقدر ناپسامان است که به اندازه استعدادم نتوانم درآمد داشته باشم.	۰/۷۰۲				
	۵- من فکر می‌کنم در کشور ما به هر دلیل غیرموجهی احتمال دارد آدم شغلش را از دست بدهد.	۰/۶۰۶				
عامل سوم: آتومی سیاسی	۱- احساس می‌کنم که فعالیت جناح‌های سیاسی در حل مشکلات کشور اثری ندارد.	۰/۷۴۶	۱/۱۶ (۶/۳۵)	۰/۶۰	۲۶۷	۵
	۲- ایران سیاست خارجی مشخصی در مقابل کشورهای پیشرفته ندارد.	۰/۶۵۷				
	۳- ساختار سیاسی مملکت ما قادر به حل مشکلات مردم نیست.	۰/۶۲۶				
	۴- شرایط سیاسی در ایران طوری است که افراد لایق و شایسته برای کارهای حساس انتخاب می‌شوند.	۰/۵۲۲				
	۵- در کشور ما جناح‌های سیاسی به‌طور شفاف و واضح می‌دانند که مملکت را به چه سمتی دارند می‌برند.	۰/۴۵۹				

۲-۳- توصیف گویه‌ها و مقیاس «احساس انومی در بین جوانان»

۲-۳-۱- توصیف گویه‌ها و مقیاس «احساس انومی اجتماعی در بین جوانان»

مقیاس «احساس انومی اجتماعی» دیدگاه پاسخگویان در مورد وضعیت انومیک جامعه را می‌سنجد. از میان گویه‌های تشکیل‌دهنده این مقیاس، گویه «امروزه شرایط طوری است که اکثر افراد حقوق همدیگر را رعایت نمی‌کنند» با میانگین $3/34$ بیشترین میزان موافقت را به خود اختصاص داده است. از میان پاسخگویان $81/2\%$ موافق این نظر هستند که اکثر افراد، حقوق یکدیگر را رعایت نمی‌کنند و تنها $5/6\%$ پاسخگویان مخالف این نظر هستند. اما گویه بعدی عبارتست از «با شرایط نامطمئنی که در جامعه وجود دارد هیچ‌کس نمی‌داند تا فردا چه پیش خواهد آمد». میانگین آن $3/32$ است و $77/4\%$ پاسخگویان موافق این گویه هستند که نمی‌دانند در آینده چه پیش خواهد آمد و $11/7\%$ پاسخگویان مخالف این گویه می‌باشند. سومین گویه «اکثریت مردم به خاطر منافع اقتصادیشان، حتی حاضر به انجام کارهای خلاف عرف و قانون‌اند» می‌باشد. میانگین گویه فوق $3/24$ می‌باشد. از میان پاسخگویان $80/8\%$ موافق این دیدگاه و 13% مخالف می‌باشند. گویه چهارم عبارتست از «هرچه زمان می‌گذرد وضعیت جامعه متشنج‌تر می‌شود». میانگین گویه برابر است با $3/16$ و میزان موافقت پاسخگویان با این نظر $68/6\%$ و میزان مخالفت با آن $16/2\%$ می‌باشد. گویه بعدی «آدم بعضی وقت‌ها از ازدواج کردن و بچه‌دار شدن پشیمان می‌شود» می‌باشد. میانگین مقیاس $3/1$ می‌باشد. $66/4\%$ پاسخگویان موافق با این دیدگاه و 20% پاسخگویان مخالف هستند. گویه ششم «وضعیت جامعه ما به گونه‌ای است که گویا قانونی در جامعه وجود ندارد» می‌باشد که میانگین آن $3/03$ می‌باشد. $67/4\%$ پاسخگویان با این دیدگاه موافق و $23/4\%$ مخالف هستند. گویه بعدی «در جامعه ما هیچ‌کس حاضر نیست کارهایش را از طریق قانونی پیش ببرد» می‌باشد. میانگین گویه $2/86$ می‌باشد. $59/5\%$ پاسخگویان موافق و $30/5\%$ مخالف این نظر می‌باشند. گویه آخر «بعضی وقت‌ها از شدت نابسامانی جامعه دلم می‌خواهد زودتر از دست این دنیا خلاص شوم» می‌باشد. میانگین گویه $2/74$ می‌باشد. $52/8\%$ پاسخگویان موافق گویه فوق هستند و $40/6\%$ با آن مخالفند.

مقیاس «انومی اجتماعی» یکی از ابعاد انومی را می‌سنجد و دربرگیرنده مفاهیمی در باب ناهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد. این مقیاس از ادغام ۸ گویه

تشکیل شده است که سطوح مختلف آئومی اجتماعی را نشان می‌دهد. پایین‌ترین ارزش مقیاس برابر است با ۸ و بالاترین ارزش مقیاس برابر است با ۴۰. این مقیاس نشان می‌دهد که تنها ۶٪ پاسخگویان آئومی اجتماعی در جامعه را در سطح پایین و کاملاً پایین احساس نموده‌اند. ۲۳/۶٪ پاسخگویان آئومی اجتماعی در جامعه را در سطح متوسط ارزیابی نموده‌اند و در حالی که ۷۰/۲٪ پاسخگویان آئومی اجتماعی در جامعه را در سطح بالا و خیلی بالا احساس نموده‌اند. میانگین کل مقیاس ۳۰/۳۷ است و این به معنی آن است که اکثریت مطلق پاسخگویان معتقد به وجود آئومی اجتماعی در جامعه در سطح بالا می‌باشند و در مورد این مسئله اکثر اتفاق نظر دارند.

جدول شماره ۲- توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب گویه‌های مقیاس «احساس آئومی اجتماعی»

گویه‌ها	رتبه گویه	میانگین طیف	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱- امروزه شرایط طوری است که اکثر افراد حقوق همدیگر را رعایت نمی‌کنند.	۱	۳/۳۲	۳۹/۴٪	۵۱/۸٪	۳/۲٪	۵٪	۰/۶٪
۲- با شرایط نامطمئنی که در جامعه وجود دارد هیچ‌کس نمی‌داند تا فردا چه پیش خواهد آمد.	۲	۳/۳۲	۴۰/۲٪	۳۷/۲٪	۱۱/۱٪	۹/۱٪	۲/۶٪
۳- اکثریت مردم به خاطر منافع اقتصادی‌شان، حتی حاضر به انجام کارهای خلاف عرف و قانون‌اند.	۳	۳/۲۴	۳۸/۹٪	۳۱/۹٪	۶/۲٪	۹/۸٪	۳/۲٪
۴- هرچه زمان می‌گذرد وضعیت جامعه متشنج‌تر می‌شود.	۴	۳/۱۶	۳۲/۶٪	۳۶٪	۱۵/۲٪	۱۴٪	۲/۲٪
۵- آدم بعضی وقتها از ازدواج کردن و بچه‌دار شدن پشیمان می‌شود.	۵	۳/۱	۳۵/۶٪	۳۰/۸٪	۱۳/۶٪	۱۳/۸٪	۶/۲٪
۶- وضعیت جامعه ما به‌گونه‌ای است که گویا قانونی در جامعه وجود ندارد.	۶	۳/۰۳	۳۰/۷٪	۳۶/۷٪	۹/۲٪	۱۹/۴٪	۴٪
۷- در جامعه ما هیچ‌کس حاضر نیست کارهایش را از طریق قانونی پیش ببرد.	۷	۲/۸۶	۲۲/۸٪	۳۶/۷٪	۱۰٪	۲۶/۳٪	۴/۲٪
۸- بعضی وقتها از شدت نابسامانی جامعه دلم می‌خواهد زودتر از دست این دنیا خلاص شوم.	۸	۲/۷۴	۲۹/۱٪	۲۳/۷٪	۸/۶٪	۲۴/۵٪	۱۶/۱٪

جدول شماره ۳- توزیع نظرات پاسخگویان در ارتباط با مقیاس «احساس انومی اجتماعی»

ارزش مقیاس	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
۸-۱۳	احساس انومی اجتماعی خیلی پایین	۲	۰.۳
۱۳-۲۰	احساس انومی اجتماعی پایین	۲۸	۵.۶
۲۱-۲۷	احساس انومی اجتماعی در حد متوسط	۱۱۹	۲۳.۸
۲۸-۳۳	احساس انومی اجتماعی بالا	۲۱۵	۴۳
۳۵-۴۰	احساس انومی اجتماعی خیلی بالا	۱۳۶	۲۷.۲
میانگین کل مقیاس-۳۷/۳۰	جمع کل	۵۰۰	۱۰۰

۲-۳-۲- توصیف گویه‌ها و مقیاس «احساس انومی اقتصادی در بین جوانان»
 مقیاس «احساس انومی اقتصادی» درباره وضعیت اقتصادی کشور می‌باشد و دیدگاه پاسخگویان درباره وضعیت اقتصادی جامعه را می‌سنجد. گویه اول «من فکر می‌کنم در جامعه ما حق به حق‌دار نمی‌رسد» می‌باشد. میانگین گویه برابر است با ۳/۳۲٪. از میان پاسخگویان ۸۰/۲٪ موافق با این گویه هستند و ۱۲/۴٪ مخالف. گویه دوم «استخدام بدون داشتن پارتی و آشنا ممکن نیست» می‌باشد. میانگین گویه ۳/۲۸٪ می‌باشد و ۷۷/۴٪ پاسخگویان موافق، و ۱۶/۶٪ پاسخگویان مخالف این دیدگاه می‌باشند. گویه سوم «من احساس می‌کنم اگر دوست و آشنا در ادارات نداشته باشم کارم پیش نمی‌رود» می‌باشد. ۳/۲۷ میانگین گویه می‌باشد و در حالیکه ۷۷٪ پاسخگویان موافق این نظر هستند تنها ۱۵/۶٪ پاسخگویان با این نظر ابراز مخالفت کرده‌اند. گویه بعدی «من فکر می‌کنم شرایط اقتصادی جامعه آن‌قدر نابسامان است که به اندازه استعدادم نتوانم درآمد داشته باشم» می‌باشد. میانگین گویه ۳/۲۲ می‌باشد. در حالیکه ۷۵/۶٪ پاسخگویان موافق این نظر هستند، ۱۱/۷٪ گویه آخر «من فکر می‌کنم در کشور ما به هر دلیل غیرموجهی احتمال دارد آدم شغلش را از دست بدهد» می‌باشد و میانگین آن ۳/۰۷ می‌باشد. ۶۹/۶٪ پاسخگویان با این نظر موافق و ۱۸/۷٪ پاسخگویان مخالف می‌باشند.

مقیاس «انومی اقتصادی» ابعاد اقتصادی انومی را می‌سنجد. در واقع این مقیاس متشکل از مفاهیمی مبنی بر ناهنجاری‌های اقتصادی می‌باشد. این مقیاس از ادغام ۵ گویه تشکیل شده است. پایین‌ترین ارزش مقیاس ۵ می‌باشد و بالاترین ارزش مقیاس ۲۵ می‌باشد. این مقیاس نشان می‌دهد که تنها ۴/۶٪ انومی اقتصادی در

جامعه را در سطح پایین و کاملاً پایین احساس نموده‌اند. ۲۰/۸٪ پاسخگویان انومی اقتصادی در جامعه را در سطح متوسط ارزیابی نموده‌اند، ۷۴/۸٪ پاسخگویان انومی اجتماعی در جامعه را در سطح بالا و خیلی بالا احساس نموده‌اند. میانگین کل مقیاس برابر است با ۱۹/۸۸. این میانگین بیانگر احساس بالای پاسخگویان از وجود ناهنجاری‌های اقتصادی در جامعه می‌باشد به گونه‌ای که وضعیت اقتصادی جامعه را انومیک ارزیابی کرده‌اند.

جدول شماره ۴- توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب گویه‌های مقیاس «احساس انومی اقتصادی»

گویه‌ها	رتبه گویه	بیانکننده طبقه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌تفاوتی	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱- من فکر می‌کنم در جامعه ما حق به حق‌دار نمی‌رسد.	۳/۳۲	٪۴۵/۸	٪۳۴/۴	٪۷/۴	٪۹/۲	٪۳/۲	
۲- استخدام بدون داشتن پارتی و آشنا ممکن نیست.	۳/۲۸	٪۴۶/۸	٪۳۰/۶	٪۶	٪۱۳/۴	٪۳/۲	
۳- من احساس می‌کنم اگر دوست و آشنا در ادارات نداشته باشم کارم پیش نمی‌رود.	۳/۲۷	٪۴۴/۸	٪۳۲/۲	٪۷/۴	٪۱۲	٪۳/۶	
۴- من فکر می‌کنم شرایط اقتصادی جامعه آن‌قدر نابسامان است که به اندازه استخدام نتوانم درآمد داشته باشم.	۳/۲۲	٪۳۳/۵	٪۴۲/۱	٪۱۲/۷	٪۹/۷	٪۲	
۵- من فکر می‌کنم در کشور ما به هر دلیل غیرموجهی احتمال دارد آدم شغلش را از دست بدهد.	۳/۰۷	٪۲۹/۲	٪۴۰/۴	٪۱۱/۲	٪۱۴/۳	٪۴/۴	

جدول شماره ۵- توزیع نظرات پاسخگویان در ارتباط با مقیاس «احساس انومی اقتصادی»

ارزش مقیاس	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
۵-۸	احساس انومی اقتصادی خیلی پایین	۳	۰.۶
۱۰-۱۲	احساس انومی اقتصادی پایین	۲۰	۴
۱۳-۱۷	احساس انومی اقتصادی در حد متوسط	۱۰۴	۲۰.۸
۱۸-۲۱	احساس انومی اقتصادی بالا	۱۸۱	۳۶.۲
۲۲-۲۵	احساس انومی اقتصادی خیلی بالا	۱۹۲	۳۸.۴
میانگین کل مقیاس-۱۹/۸۸	جمع کل	۵۰۰	۱۰۰

۲-۳-۳- توصیف گویه‌ها و مقیاس «احساس آنومی سیاسی در بین جوانان»

مقیاس «احساس آنومی سیاسی» در مورد وضعیت سیاسی کشور است. گویه اول این مقیاس عبارتست از «ساختار سیاسی مملکت ما قادر به حل مشکلات مردم نیست». میانگین گویه برابر ۳ می‌باشد. ۶۲٪ پاسخگویان موافق این نظر می‌باشند و ۲۱/۲٪ با آن مخالفند. گویه دوم «احساس می‌کنم که فعالیت جناح‌های سیاسی در حل مشکلات کشور اثری ندارد» است. میانگین گویه ۲/۹۴ می‌باشد و از میان پاسخگویان ۵۶/۲٪ با این گویه موافق و ۲۲٪ مخالف هستند. سومین گویه عبارتست از «ایران سیاست خارجی مشخصی در مقابل کشورهای پیشرفته ندارد». میانگین این گویه ۲/۸۶ می‌باشد. ۵۵/۲٪ پاسخگویان موافق این گویه می‌باشند و ۱۳/۵٪ پاسخگویان مخالف گویه یادشده می‌باشند. گویه چهارم عبارتست از «در کشور ما جناح‌های سیاسی به‌طور شفاف و واضح می‌دانند که مملکت را به چه سمتی دارند می‌برند». میانگین آن ۲/۶۲ می‌باشد. ۴۱٪ پاسخگویان موافق این نظر می‌باشند و ۳۱/۸٪ پاسخگویان مخالف این دیدگاه می‌باشند. همچنین گویه آخر عبارتست از «شرایط سیاسی در ایران طوری است که افراد لایق و شایسته برای کارهای حساس انتخاب می‌شوند». میانگین گویه برابر با ۲/۱۲ است. تنها ۱۵/۹٪ پاسخگویان موافق گویه فوق هستند، در حالی که ۵۴/۲٪ پاسخگویان مخالف این نظر هستند که در ایران افراد شایسته در رأس کار قرار می‌گیرند.

این مقیاس یکی دیگر از ابعاد آنومی را می‌سنجد. مقیاس آنومی سیاسی دربرگیرنده گویه‌هایی در باب ناهنجاری‌های سیاسی موجود در جامعه می‌باشد. این مقیاس از ادغام ۵ گویه تشکیل شده است. پایین‌ترین ارزش مقیاس ۵ و بالاترین ارزش مقیاس ۲۵ می‌باشد. این مقیاس نشان می‌دهد که ۱۱/۴٪ پاسخگویان، وضعیت آنومی سیاسی در جامعه را در سطح خیلی پایین و پایین و ۴۵/۸٪ در سطح متوسط و ۴۲/۸٪ در سطح بالا و خیلی بالا ارزیابی می‌کنند. میانگین کل مقیاس ۱۶/۸۹ می‌باشد و بیانگر آن است که اکثریت مطلق پاسخگویان شرایط آنومی سیاسی در جامعه را در حد متوسط ارزیابی می‌کنند.

جدول شماره ۶- توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب گویه‌های مقیاس «احساس انومی سیاسی»

گویه‌ها	رتبه گویه	میانگین طیف	کاملاً موافقم	موافقم	تواضع	مخالقم	کاملاً مخالفم
- ساختار سیاسی مملکت ما قادر به حل مشکلات مردم نیست.	۱	۳	٪۲۵/۳	٪۳۶/۷	٪۱۶/۸	٪۱۷/۴	٪۳/۸
- احساس می‌کنم که فعالیت جناح‌های سیاسی در حل مشکلات کشور اثری ندارد.	۲	۲/۹۳	٪۲۵/۵	٪۳۰/۷	٪۲۱/۸	٪۱۴/۶	٪۷/۴
- ایران سیاست خارجی مشخصی در مقابل کشورهای پیشرفته ندارد.	۳	۲/۸۶	٪۱۹/۵	٪۳۵/۷	٪۲۱/۳	٪۷/۱	٪۶/۴
- در کشور ما جناح‌های سیاسی به‌طور شفاف و واضح می‌دانند که مملکت را به چه سمتی دارند می‌برند.	۴	۲/۶۲	٪۱۷/۳	٪۲۳/۷	٪۲۷/۲	٪۱۸/۷	٪۱۳/۱
- شرایط سیاسی در ایران طوری است که افراد لایق و شایسته برای کارهای حساس انتخاب می‌شوند.	۵	۲/۱۲	٪۷/۴	٪۸/۵	٪۱۹/۱	٪۳۰/۹	٪۲۴/۳

جدول شماره ۷- توزیع نظرات پاسخگویان در ارتباط با مقیاس «احساس انومی سیاسی»

ارزش مقیاس	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
۵-۷	احساس انومی سیاسی خیلی پایین	۳	۰.۸
۹-۱۲	احساس انومی سیاسی پایین	۵۳	۱۰.۶
۱۳-۱۷	احساس انومی سیاسی در حد متوسط	۲۲۹	۲۵.۸
۱۸-۲۱	احساس انومی سیاسی بالا	۱۶۵	۳۳
۲۲-۲۵	احساس انومی سیاسی خیلی بالا	۲۹	۹.۸
میانگین کل مقیاس- ۱۶/۸۹	جمع کل	۵۰۰	۱۰۰

۲-۴- تحلیل واریانس و میانگین مقیاس «احساس انومی در بین جوانان»

۲-۴-۱- تحلیل واریانس و میانگین مقیاس «احساس انومی اجتماعی در بین جوانان»

یافته‌های تحلیل نشان می‌دهد که میانگین مقیاس به تفکیک سن، شغل و منطقه محل سکونت از تفاوت معنی‌داری برخوردار است و به تفکیک سایر گروه‌ها تفاوت معنی‌داری بین آنها وجود ندارد. به بیان دیگر پاسخگویان به تفکیک سایر ویژگی‌های خود در مورد انومی اجتماعی احساس مشترکی دارند.

از میان گروه‌های سنی زیر پاسخگویان بین ۲۴-۲۰ سال بالاترین احساس از آنومی اجتماعی دارند (۳۱/۱۳) و سپس پاسخگویان بالای ۲۵ سال (۳۰/۱۴). و در آخر پاسخگویان بین ۲۹-۱۵ سال، وجود آنومی اجتماعی را احساس نموده‌اند (۲۹/۶۹). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان گروه‌های شغلی، پاسخگویان بیکار معتقد به وجود ناهنجاری‌های اجتماعی بالایی در جامعه می‌باشند (۳۱/۰۱) و به دنبال آن پاسخگویان کارمند چنین اعتقادی دارند (۳۱/۰۰) و در مرتبه سوم پاسخگویان با مشاغل فنی و آزاد وجود ناهنجاری‌های اجتماعی را اذعان کرده‌اند (۳۰/۷۴). اما کم‌ترین میزان آنومی اجتماعی از سوی دانش‌آموزان ابراز شده است (۲۹/۶۷) و این به دلیل موقعیت سنی دانش‌آموزان می‌باشد که در واقع هنوز به‌طور کامل با واقعیت‌های اجتماعی درگیر نشده‌اند و اطلاعاتشان نسبت به سایر گروه‌های سنی کم‌تر می‌باشد.

در ارتباط با مناطق مختلف شهر تهران نیز نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که ساکنین مناطق مختلف شهر تهران احساس متفاوتی از وضعیت آنومیک جامعه از لحاظ اجتماعی دارند. به طوری که ساکنین مناطق ۴، ۲، ۷، ۲۱ و ۱۵ بالاترین احساس آنومی اجتماعی را دارا هستند و ساکنین مناطق ۳، ۸، ۱۹، ۱۳ و ۱۱ پایین‌ترین ارزیابی از وضعیت آنومی اجتماعی را گزارش نموده‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که پاسخگویان مناطق مختلف شهر تهران احساس یکسانی از شرایط آنومی اجتماعی در شهر تهران ندارند و این احساس به تفکیک مناطق مختلف شهر تهران که حاکی از بافت اجتماعی و اقتصادی متفاوت است تغییر می‌یابد. جدول زیر تفاوت‌های پاسخگویان مناطق مختلف را در این ارتباط نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸ - تحلیل واریانس یک طرفه میانگین مقیاس آنومی اجتماعی به تفکیک سن، شغل و محل سکونت پاسخگویان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

ردیف	میانگین	فراوانی	تفاوت معنی‌دار	منبع تغییرات	کمیت F	سطح معنی‌داری
۱۵-۱۹ سال	۲۹/۶۹	۱۸۳	۵/۷۱	بین گروه‌ها	۳/۰۱	۰/۰۵
۲۰-۲۴ سال	۳۱/۱۳	۱۹۷	۵/۶۷	*آزمون‌های معنی‌داری Post Hoc نشان‌دهنده معنی‌داری بین گروه‌های زیر در ارتباط با آنومی اجتماعی می‌باشد.		
۲۵ سال و بیشتر	۳۰/۱۴	۱۲۰	۶/۲۱		LSD	۲۹/۶۹ سال ۱۵-۱۹ سال ۳۱/۱۳ سال ۲۰-۲۴ سال
جمع کل	۳۰/۳۷	۵۰۰	۵/۸۴			

شغل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنیداری	کمیت F	منبع تغییرات
بیکار	۱۲۲	۳۱/۰۱	۵/۲۶	*آزمون‌های معنیداری Post Hoc نشان‌دهنده معنیداری بین گروه‌های زیر در ارتباط با آئومی اجتماعی می‌باشد.	۲/۸۲	بین گروه‌ها
دانشجو	۷۹	۳۰/۰۶	۵/۶۳			
دانش‌آموز	۱۲۰	۲۹/۶۷	۵/۹۸			
فنی و آزاد	۶۶	۳۰/۷۲	۶/۱۸			
تخصصی	۲۹	۲۹/۸۲	۶/۰۳			
کارمند	۱۶	۳۱/۰۰	۶/۶۳			
خانه‌دار	۲۷	۳۰/۶۲	۷/۱۹	LSD	۳۰/۰۶ دانشجو	
جمع کل	۲۹۹	۳۰/۳۷	۵/۸۳			LSD
مناطق ۲۲ گانه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنیداری	کمیت F	منبع تغییرات
۱	۱۲	۳۰/۶۲	۲/۶۳	*آزمون‌های معنیداری Post Hoc نشان‌دهنده تفاوت معنیداری بین مناطق شهری تهران در ارتباط با آئومی اجتماعی می‌باشد. آزمون LSD: مناطق ۳،۲ - مناطق ۸،۲ - مناطق ۱۱،۲ - مناطق ۱۲،۲ - مناطق ۱۳،۲ - مناطق ۱۴،۲ - مناطق ۱۸،۲ - مناطق ۱۹،۲ - مناطق ۲۰،۲ - مناطق ۲۲،۲ مناطق ۳،۳ - مناطق ۷،۳ - مناطق ۹،۳ - مناطق ۱۵،۳ - مناطق ۲۱،۳ مناطق ۴،۸ - مناطق ۳،۱۳ - مناطق ۴،۱۹ مناطق ۷،۱۳ مناطق ۹،۸ - مناطق ۹،۱۳ - مناطق ۹،۱۹ مناطق ۱۵،۱۳ مناطق ۲۱،۵ - مناطق ۲۱،۸ - مناطق ۲۱،۱ - مناطق ۲۱،۱۲ - مناطق ۲۱،۱۳ - مناطق ۲۱،۱۴ - مناطق ۲۱،۱۷ - مناطق ۲۱،۱۸ - مناطق ۲۱،۱۹ - مناطق ۲۱،۲۰ - مناطق ۲۱،۲۲	۱/۹۲	بین گروه‌ها
۲	۳۱	۳۲/۸۵	۲/۵۰			
۳	۲۵	۲۷/۲۲	۲/۵۸			
۴	۲۶	۳۱/۳۲	۶/۶۳			
۵	۳۶	۳۰/۲۸	۶/۲۸			
۶	۱۹	۳۰/۸۲	۵/۰۰			
۷	۲۰	۳۱/۲۵	۵/۹۶			
۸	۲۹	۲۸/۵۵	۶/۲۱			
۹	۲۰	۳۱/۲۰	۲/۰۹			
۱۰	۱۰	۳۰/۲۰	۶/۵۱			
۱۱	۲۱	۲۸/۲۷	۶/۷۸			
۱۲	۱۵	۲۹/۶۰	۶/۶۵			
۱۳	۱۱	۲۶/۶۳	۸/۲۲			
۱۴	۳۰	۳۰/۰۶	۶/۲۱			
۱۵	۲۵	۳۱/۱۶	۵/۰۱			
۱۶	۲۲	۳۰/۶۸	۷/۸۰			
۱۷	۲۰	۳۰/۰۵	۵/۶۰			
۱۸	۲۶	۲۹/۵۷	۲/۱۵			
۱۹	۱۱	۲۷/۲۷	۲/۹۸			
۲۰	۱۰	۲۹/۰۰	۵/۲۷			
۲۱	۲۴	۳۳/۹۵	۲/۹۲			
۲۲	۲۵	۲۹/۷۶	۲/۷۸			
جمع کل	۵۰۰	۳۰/۳۷	۵/۸۳			

۲-۴-۲- تحلیل واریانس و میانگین مقیاس «احساس انومی اقتصادی در بین جوانان»
تحلیل میانگین مقیاس انومی اقتصادی نشان می‌دهد که میانگین مقیاس به تفکیک سن و منطقه محل سکونت دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشد. یافته‌های حاصل از تحلیل بیان می‌کند که از میان گروه‌های سنی زیر، پاسخگویان بین ۲۴-۲۰ سال با میانگین (۲۰/۷۱) وجود انومی اقتصادی بالایی را احساس کرده‌اند و به دنبال آن پاسخگویان بالای ۲۵ سال چنین احساسی را دارند (۲۰/۲۳). در مرتبه آخر پاسخگویان بین ۱۹-۱۵ سال با کم‌ترین میانگین (۱۸/۷۵) وجود ناهنجاری‌های اقتصادی را بیان کرده‌اند.

در ارتباط با مناطق مختلف شهر تهران نیز نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که ساکنین مناطق مختلف شهر تهران احساس متفاوتی از وضعیت انومیک جامعه به لحاظ اقتصادی دارند. به طوری که ساکنین مناطق ۲۱،۴ و ۱۵ بالاترین احساس انومی اقتصادی را دارا هستند و ساکنین مناطق ۱۳،۱،۱۹،۳۸ و ۱۱ پایین‌ترین ارزیابی از وضعیت انومی اقتصادی را گزارش نموده‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که پاسخگویان مناطق مختلف شهر تهران احساس یکسانی از شرایط انومی اقتصادی در شهر تهران ندارند و این احساس به تفکیک مناطق مختلف شهر تهران که حاکی از بافت اجتماعی و اقتصادی متفاوت است تغییر می‌یابد. جدول زیر تفاوت‌های پاسخگویان مناطق مختلف را در این ارتباط نشان می‌دهد.

جدول شماره ۹- تحلیل واریانس یک طرفه میانگین مقیاس انومی اقتصادی به تفکیک سن و محل سکونت پاسخگویان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

ردیف	میانگین	انحراف معیار	منبع تغییرات	کمیت F	سطح معنی‌داری
۱۵-۱۹ سال	۱۸۳	۱۸/۷۵	بین گروه‌ها	۱۳/۰۰	/۰۰۰
۲۰-۲۴ سال	۱۹۷	۲۰/۷۱	*آزمون‌های معنی‌داری Post Hoc نشان‌دهنده معنی‌داری بین گروه‌های زیر در ارتباط با انومی اقتصادی می‌باشد.	۳/۵۹	۱۸/۷۵ سال ۱۵-۱۹ سال
۲۵ سال و بیشتر	۱۲۰	۲۰/۲۳			
جمع کل	۵۰۰	۱۹/۸۸		۳/۹۲	

مناطق ۲۲ گانه	فروانی	سن	انحراف معیار	سطح معنی داری	کمیت F	منبع تغییرات
۱	۱۴	۱۸/۰۷	۳/۸۹		۱/۶۳	منابع تغییر
۲	۲۱	۲۰/۴۶	۳/۷۴			
۳	۲۵	۱۸/۶۸	۳/۴۰			*آزمون‌های معنی‌داری Post Hoc نشان‌دهنده تفاوت معنی‌داری بین مناطق شهری تهران در ارتباط با آنومی اقتصادی می‌باشد.
۴	۲۶	۲۱/۲۵	۳/۷۳			آزمون LSD:
۵	۳۶	۱۹/۶۹	۴/۴۹			مناطق ۲.۱ - مناطق ۴.۱ - مناطق ۶.۱ - مناطق ۹.۱ - مناطق ۱۵.۱ مناطق ۲۱.۱
۶	۱۹	۲۰/۳۷	۳/۳۰			
۷	۲۰	۱۹/۷۵	۴/۱۱			
۸	۲۹	۱۸/۵۵	۵/۱۱			
۹	۲۰	۲۰/۳۵	۳/۵۴			مناطق ۸.۲ - مناطق ۱۳.۲
۱۰	۱۰	۲۰/۱۰	۳/۵۱			
۱۱	۲۱	۱۸/۶۱	۴/۲۱			مناطق ۴.۳ - مناطق ۱۵.۳ - مناطق ۲۱.۳
۱۲	۱۵	۱۹/۹۳	۴/۲۶			مناطق ۵.۴ - مناطق ۸.۴ - مناطق ۱۱.۴ - مناطق ۱۳.۴ - مناطق ۱۷.۴ - مناطق ۱۹.۴ - مناطق ۲۰.۴ - مناطق ۲۲.۴
۱۳	۱۱	۱۷/۴۵	۶/۵۶			مناطق ۱۳.۶
۱۴	۳۰	۲۰/۱۰	۳/۱۲			
۱۵	۲۵	۲۱/۱۲	۴/۶۶			مناطق ۱۳.۹
۱۶	۲۲	۲۰/۲۲	۳/۹۲			
۱۷	۲۰	۱۹/۲۰	۴/۲۹			مناطق ۱۱.۱ - مناطق ۱۵.۱ - مناطق ۱۳.۱۵ - مناطق ۱۹.۱۵
۱۸	۲۶	۲۰/۱۹	۳/۲۳			
۱۹	۱۱	۱۸/۶۳	۳/۷۷			مناطق ۱۱.۲۱ - مناطق ۱۳.۲۱ - مناطق ۱۹.۲۱ - مناطق ۲۲.۲۱
۲۰	۱۰	۱۹/۵۰	۴/۲۲			
۲۱	۲۴	۲۱/۴۱	۳/۰۰			
۲۲	۲۵	۱۹/۱۶	۴/۰۸			
جمع کل	۵۰۰	۱۹/۸۸	۳/۹۲			

۲-۳-۴- تحلیل واریانس و میانگین مقیاس «احساس آنومی سیاسی در بین جوانان»

تحلیل میانگین داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین مقیاس آنومی سیاسی به تفکیک سن، شغل و تحصیلات از تفاوت معنی‌داری برخوردار است. یافته‌ها بیانگر آن است که از میان گروه‌های سنی زیر، پاسخگویان بین ۲۴-۲۰ سال بیشترین آنومی سیاسی را احساس کرده‌اند (۱۷/۲۹) و در مرتبه بعد پاسخگویان بالای ۲۵ سال بیشترین آنومی سیاسی را ابراز کرده‌اند (۱۷/۰۸). در آخر پاسخگویان بین ۱۹-۱۵ سال کم‌ترین ناهنجاری سیاسی را نسبت به سایر گروه‌های سنی ابراز کرده‌اند (۱۶/۳۳).

همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که از میان گروه‌های شغلی، پاسخگویان کارمند با میانگین ۱۸/۷۵ نسبت به سایر گروه‌های شغلی بیشتر معتقد به وجود

ناهنجاری‌های سیاسی در جامعه هستند. در مرتبه بعد پاسخگویان با مشاغل تخصصی بیشترین احساس آنومی سیاسی را دارند (۱۷/۷۲) اما زنان خانه‌دار با میانگین ۱۵/۶۶ کم‌ترین میزان آنومی سیاسی را ابراز کرده‌اند طبیعتاً به دلیل حضور کم‌تر زنان در عرصه‌های سیاسی کم‌ترین احساس ناهنجاری سیاسی نیز از سوی آنها ابراز شده است.

اما مقایسه میانگین، به تفکیک سطح تحصیلات نشان می‌دهد که، پاسخگویان دانشجوی و لیسانس بیشتر از سایر سطوح تحصیلی معتقد به وجود آنومی سیاسی می‌باشند (۱۷/۷۴). در مرتبه بعد پاسخگویان با سطح تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم بیشترین میزان آنومی سیاسی را ابراز کرده‌اند (۱۶/۹۴) در صورتی‌که پاسخگویان با تحصیلات ابتدائی کم‌ترین میزان آنومی سیاسی را احساس نموده‌اند (۱۵/۴۸).

جدول شماره ۱۰: تحلیل واریانس یک طرفه میانگین مقیاس آنومی سیاسی به تفکیک سن، شغل و تحصیلات

ردیف	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	منبع تغییر	کمیت F	سطح معنی‌داری				
۱۵-۱۹ سال	۱۸۳	۱۶/۳۳	۳/۷۵	بین گروه‌ها	۳/۵۳	۰/۳				
۲۰-۲۴ سال	۱۹۷	۱۷/۲۹	۳/۵۰	*آزمون‌های معنی‌داری Post Hoc نشان‌دهنده معنی‌داری بین گروه‌های زیر در ارتباط با آنومی سیاسی می‌باشد.						
۲۵ سال و بیشتر	۱۲۰	۱۷/۰۸	۳/۶۵	شعبه						
جمع کل	۵۰۰	۱۶/۸۹	۳/۶۵	<table border="1"> <tr> <td>۱۵-۱۹ سال</td> <td>۱۶/۳۳</td> </tr> <tr> <td>۲۰-۲۴ سال</td> <td>۱۷/۲۹</td> </tr> </table>			۱۵-۱۹ سال	۱۶/۳۳	۲۰-۲۴ سال	۱۷/۲۹
۱۵-۱۹ سال	۱۶/۳۳									
۲۰-۲۴ سال	۱۷/۲۹									
ردیف	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	منبع تغییر	کمیت F	سطح معنی‌داری				
بیکار	۱۴۲	۱۷/۰۰	۳/۷۷	بین گروه‌ها	۲/۶۲	۰/۱۶				
دانشجو	۷۹	۱۷/۵۶	۳/۴۹							
دانش آموز	۱۴۰	۱۶/۲۸	۳/۸۷	*آزمون‌های معنی‌داری Post Hoc نشان‌دهنده معنی‌داری بین گروه‌های زیر در ارتباط با آنومی سیاسی می‌باشد.						
فنی و آزاد	۶۶	۱۶/۷۷	۳/۹۲	<table border="1"> <tr> <td>۱۶/۲۸ دانش آموز</td> <td>LSD</td> </tr> <tr> <td>۱۷/۰۰ بیکار</td> <td>LSD</td> </tr> </table>			۱۶/۲۸ دانش آموز	LSD	۱۷/۰۰ بیکار	LSD
۱۶/۲۸ دانش آموز	LSD									
۱۷/۰۰ بیکار	LSD									
تخصصی	۲۹	۱۷/۷۲	۳/۷۶	<table border="1"> <tr> <td>۱۶/۵۶ دانشجو</td> <td>LSD</td> </tr> <tr> <td>۱۵/۶۶ خانه‌دار</td> <td>LSD</td> </tr> </table>			۱۶/۵۶ دانشجو	LSD	۱۵/۶۶ خانه‌دار	LSD
۱۶/۵۶ دانشجو	LSD									
۱۵/۶۶ خانه‌دار	LSD									
کارمند	۱۶	۱۸/۷۵	۴/۰۷							
خانه‌دار	۲۷	۱۵/۶۶	۲/۹۸							
جمع کل	۲۹۹	۱۶/۸۹	۳/۶۵							

تخصیصات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	منبع تغییر	کمیت F	سطح معنی داری
ابتدائی	۱۳	۱۵/۸۲	۴/۰۳	بین گروهها	۳/۷۳	./۰۱۱
راهنمایی	۱۷۸	۱۶/۳۵	۳/۶۵	«آزمون‌های معنی‌داری Post Hoc نشان‌دهنده معنی‌داری بین گروه‌های زیر در ارتباط با آنومی سیاسی می‌باشد.	۱۶/۳۵ راهنمایی شبهه ۱۷/۷۳ دانشجوی و لیسانس	
دیپلم و فوق‌دیپلم	۱۹۶	۱۶/۹۲	۳/۶۷			
دانشجو و لیسانس	۱۱۱	۱۷/۳۳	۳/۳۱			
جمع کل	۴۹۸	۱۶/۸۹	۳/۶۲			

۲-۵ - تبیین روابط درونی ابعاد احساس آنومی در بین جوانان

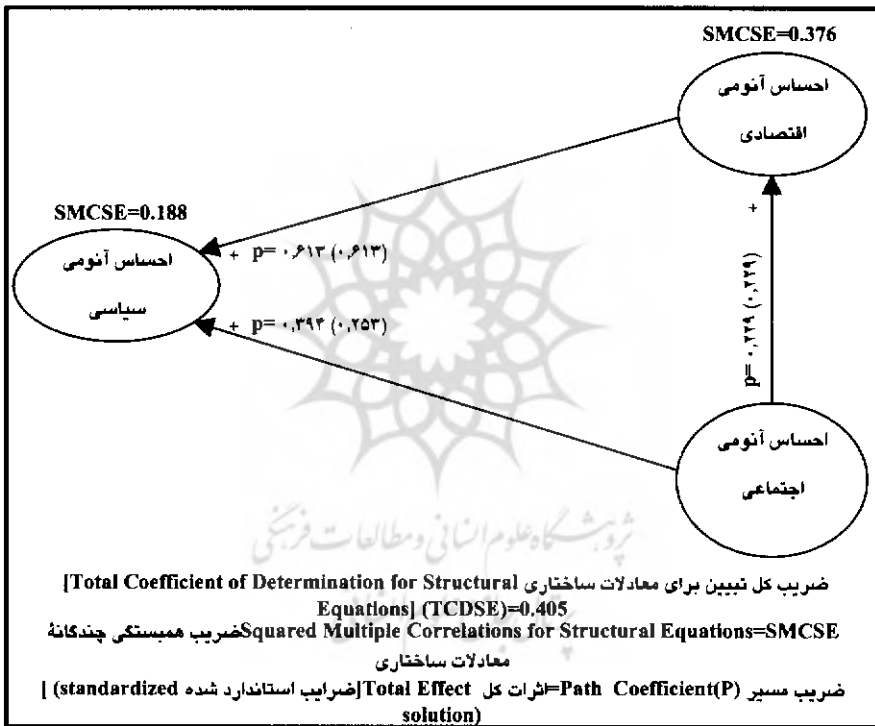
داده‌های مربوط به مقیاس‌ها بر گستره شرایط آنومیک در ابعاد سه گانه آنومی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تاکید می‌نماید. مدل تحلیلی تحقیق در ارتباط با روابط درونی ابعاد سه گانه آنومی به تعیین عامل ریشه‌ای و میزان اثرگذاری عوامل در شکل‌گیری هریک از انواع آنومی‌ها می‌پردازد. داده‌های مربوط به گستره شرایط آنومیک در ابعاد سه گانه آنومی، احساس آنومی اقتصادی را به‌عنوان گسترده‌ترین وضعیت آنومیک معرفی می‌کند البته داده‌های به‌دست آمده از تحلیل مسیر عوامل، نشان می‌دهد که احساس آنومی اقتصادی هرچند یکی از علل شکل‌گیری احساس آنومی سیاسی در بین جوانان می‌تواند باشد، خود تحت تأثیر احساس آنومی اجتماعی است.

به‌طوری‌که داده‌های مدل علی نشان می‌دهد شکل‌گیری احساس آنومی اقتصادی در جوانان ۶۱٪ به احساس آنومی اجتماعی بستگی دارد و شکل‌گیری احساس آنومی سیاسی در جوانان حدود ۲۵٪ به احساس آنومی اجتماعی و ۲۳٪ به احساس آنومی اقتصادی وابسته است. به‌طوری‌که هرچه احساس آنومی اجتماعی در بین جوانان افزایش پیدا می‌کند احساس آنومی اقتصادی نیز سیر صعودی به خود می‌گیرد. بر این اساس مدل علی تحقیق تأثیر علی‌التهاب‌های اقتصادی و اجتماعی بر جریان‌ات سیاسی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

داده‌های آماری مدل نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه معادلات

ساختاری^۱ در ارتباط با متغیر تابع (احساس آنومی سیاسی) حدود ۱۹٪ و در ارتباط با احساس آنومی اقتصادی حدود ۳۸٪ و ضریب کل تبیین برای معادلات ساختاری^۲ مدل حاضر ۴۰٪ برآورد شده است که نشان‌گر اینست که عامل‌های سه گانه مذکور توانسته‌اند ۴۰ درصد از اثرات علی معادله ساختاری مدل را تبیین کنند. سایر عوامل نیز در تبیین اثرات علی متغیرهای مذکور می‌توانند نقش داشته باشند که در بخش‌های بعدی به سهم تبیینی آن عوامل پرداخته شده است.

مدل شماره ۱- تبیین روابط درونی ابعاد احساس آنومی در بین جوانان



۳- بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر احساس آنومی در جامعه در ارتباط با سه خرده‌نظام جامعه شامل خرده‌نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سنجیده شده است. بر این اساس سنجش احساس آنومی اجتماعی، آنومی اقتصادی و آنومی سیاسی از جمله اهداف تحقیق حاضر می‌باشد. وضعیت آنومیک در هر جامعه بر اساس کیفیت مسائل

پیش آمده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه می تواند جهت گیری خاصی داشته باشد. به طوری که اگر ریشه های نابسامانی در دوره تاریخی خاص هر جامعه مثلاً رکود اقتصادی باشد در آن دوره تاریخی آنومی اقتصادی بیش از سایر وجوه آنومی بروز پیدا کرده و احساس می شود.

با عنایت به این که تحقیق حاضر در سال ۱۳۸۰ انجام گرفته است به نظر می رسد که از ویژگی های دوره تاریخی ۵ سال اخیر کشورمان بروز چالش های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه بوده است. در این بخش از تحقیق تلاش می شود تا بر اساس احساس جوانان از نابهنجارترین شرایط جامعه و همچنین بر اساس تبیین علی انواع آنومی، شرایط غالب آنومیک در جامعه مشخص شود. ابتدا با مرور و مقایسه آمارهای به دست آمده از مقیاس های سه گانه به تشریح فراگیری و گستردگی احساس آنومی در جامعه پرداخته می شود. سپس به تبیین علی و ریشه یابی شرایط ایجاد شده می پردازیم.

مقایسه تطبیقی میانگین های استاندارد شده مقیاس های سه گانه فوق نشان گر آنست که پاسخگویان وضعیت و شرایط آنومیک را در سه خرده نظام جامعه به ترتیب بالاترین حالت آن به شرح زیر احساس نموده اند:

درجه اول: احساس آنومی اقتصادی با میانگین $3/98$

درجه دوم: احساس آنومی اجتماعی با میانگین $3/80$

درجه سوم: احساس آنومی سیاسی با میانگین $3/38$

بر اساس یافته های مذکور از نظر جوانان گسترده ترین نابهنجاری در جامعه کنونی مربوط به شرایط اقتصادی است و در مرحله دوم نابهنجاری اجتماعی و در درجه سوم نابهنجاری های سیاسی جامعه. مهم ترین پیام این یافته اینست که مهم ترین رنج و مشکل جوانان که با آن دست به گریبان هستند و احساس می کنند که جامعه نیز در آن بخش دچار التهاب و آسیب و نابسامانی جدی است در درجه اول شرایط اقتصادی جامعه است. این پیام می تواند برای مسئولان مسائل کلان جامعه از حیث تعیین راهبردهای برنامه ریزی و اصلاح گرایانه، بسیار مهم و تعیین کننده باشد.

این یافته ها در واقع نشان دهنده این است که مهم ترین انتظارات و اساسی ترین گفتمان بین ذهنی جوانان جامعه در درجه نخست در ارتباط با نابسامانی های اقتصادی جامعه همانند از دست دادن شغل، نابرابری ها در کسب درآمد، اقدامات خلاف عرف و قانون در راستای کسب منافع اقتصادی بیشتر و غیره و در درجه دوم

در مسیر نابهنجاری‌های اجتماعی شامل، عدم رعایت حقوق متقابل، بی‌قانونی اجتماعی، شرایط نامطمئن و سردرگمی‌ها در انتخاب روش و الگوی زندگی و از این قبیل و در درجه سوم در ارتباط با مسائل سیاسی همانند اثربخشی فعالیت‌های احزاب سیاسی، شایسته‌سالاری سیاسی و شفافیت جهت‌گیری سیاسی دولتمردان در اداره مملکت و غیره است. در حالی که حرکت‌های سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک نظام در مسیر خواسته‌ها و نیازها و التهاب‌های اساسی قشر عظیم جوانان شکل نگیرد بر آن صویت به احتمال زیاد مهم‌ترین التهاب جوانان از خرده‌نظام اقتصاد و اجتماع به سمت خرده‌نظام سیاست، به‌منظور اصلاح نظام سیاسی و کارآمد نمودن مدیریت سیاسی در راستای حل مشکلات اقتصادی جامعه کشیده خواهد شد.

بنابراین بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان ادعا نمود که دهه ۸۰ از دیدگاه جوانان مورد مطالعه در وهله اول دوران التهاب‌های اقتصادی است و در مراحل بعدی التهاب‌های اجتماعی و سیاسی. بدین دلیل مهم‌ترین اعتراضات و شورش‌های حتی سیاسی جوانان در دهه ۸۰ الی ۹۰ در کشورمان به احتمال قوی در جهت حل مسائل اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی جامعه و روی کار آوردن مدیریت سیاسی اقتصادگرا و جامعه‌گرا خواهد بود. بی‌توجهی برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی به چالش‌های بین ذهنی جوانان در ارتباط با مسائل اقتصادی و اجتماعی، قطعاً بر افزایش احساس ناامیدی در جامعه و احساس انومی اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای منفی آن از جمله افزایش انومی سیاسی منجر خواهد شد.

* * * * *

* مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی با عنوان «سنجش و بررسی عوامل موثر بر احساس انومی و بیم و امید در بین جوانان» می‌باشد که نگارنده در سال ۱۳۸۰ انجام داده است. این پژوهش به سفارش دفتر امور اجتماعی وزارت کشور و با همکاری استانداری تهران صورت گرفته است.

* * آدرس پست الکترونیکی نویسنده: hd_marjaie@irphe.ir

منابع

- ۱- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/ موج دوم، (۱۳۸۲) دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲)، «مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه انومیک»، تهران، نشر دانشگاه تهران.

- ۳- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، «انومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل انومی در شهر تهران»، تهران، سروش.
- ۴- روجه، گمی (۱۳۷۶)، «جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز»، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات تبیان.
- ۵- سرایی، حسن (۱۳۷۲)، «مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق»، تهران، سمت.
- ۶- سیگل، لاری و جوزف، سنا (در دست چاپ)، «بزهکاری نوجوانان»، ویرایش ششم، ترجمه علی‌اکبر تاج مزینانی و فرامرز ککولی دزفولی، تهران، سازمان ملی جوانان.
- ۷- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۴)، «مدل‌های ساختار کواریانس یا مدل‌های لیزرل در علوم اجتماعی»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- ۸- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۷)، «روش‌های لیزرل و ساختار آنها»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- ۹- کوثری، مسعود (۱۳۸۲)، «انومی سیاسی در ایران»، علوم اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۳۴۸ - ۳۱۹.
- ۱۰- گیویان، عبدالله (۱۳۷۳)، «بررسی انومی (علل) و عوامل موثر بر آن در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۱- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «بیگانگی»، تهران: نامه علوم اجتماعی، شماره مسلسل ۵.
- ۱۲- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، «آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات»، جزوه درسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۳- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان: بررسی انزوای ارزشی (بیگانگی فرهنگی) و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور»، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۱۴- مرجایی، سیدهادی (۱۳۷۲)، «بررسی تأثیرات ضعف فضای کنترلی خانه، مدرسه و دوستان بر بزهکاری نوجوانان شهر تهران»، با همکاری شورای اجتماعی استان تهران، ستاد مطالعات و تحقیقات اجتماعی استانداری تهران.
- ۱۵- مرجایی، سیدهادی (۱۳۸۰)، «سنجش و بررسی عوامل موثر بر احساس انومی و بیم و امید در بین جوانان»، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- ۱۶- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن: استان تهران»، تهران، مرکز آمار ایران.
- ۱۷- منصورفر، کریم (۱۳۷۶)، «روش‌های آماری»، تهران، دانشگاه تهران.

Durkheim, E. (1951), *Suicide: A Study in Sociology*, Glencoe, Division of Labor in Society, N.Y 1933.

Featherston, R & Deflem (2000), *Anomie And Strain: Context And Consequences of Merton's Two theory*; at; annual meeting of the American Sociological Association. Washington, D.C.

Friedenberg, E. (1983), *Coming of Age in America*, N.Y.

Fromm, E. (1969), *Marx's Concept of Man*, N.Y.

Kline, Paul (1994), *An Easy Guide to Factor Analysis*, London: Routledge,.

- Kon, I.S. (1969), The Concept of Alienation in Modern Sociology, in P. Berger (Ed.) *Marxism and Sociology*, N.Y.
- Lazarus, R.S & Launier 1978, *Stress - Related Transactions Between Person and Environment. Perspectives in Interactional Psychology* (pp. 287 - 327), N.Y.
- Mannheim, K. (1936) *Ideology and Utopia*, London.
- Mannheim, K. (1956), *The Democratization of Culture*, London.
- Merton, R (1968). *Adult Roles and Responsibilities*. In N.S. Smelser (Ed.) *Personality and Social Systems* N.Y. P. 194.
- Merton, R. *Social Theory and Social Structure*, Glencoe, 1959, P. 108.
- Merton, S (2000), *Two Theories*, Annual Meeting of American Sociological Association, Washington.
- Merton. R (1976), *Social Structure and anomie*, in: Giallabo, do, Rose, *Juvenile Delinquency: A Book of Reading*, U.S: John Wiley and Sons in.c.
- Mills, C. Write (1958), *The Causes of World War III*, New York.
- Ortmann, R. (2000), *Anomie as a Consequence of Disturbances of Equilibrium In Case of Suddenly Occurring Social or Personal Changes*, Annual Meeting of The American Society of Criminology Sun Francisco, California, USA
- Tonnies, F. (1957), *Community and Association*, E. Lansing.
- Weber, M. (1946), *Essays in Sociology*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

